

ایرانیستون پارتی
 iranische Demokratische Partei
 1975, Buenos Aires

ویژه جنگ خلق در پرو

دوره دوم
 شهریور ۶۹ شماره ۱۸

حقیقت

ارگان اتحادیه کمونیستهای ایران (سربداران)

رمز پیروزی پاپای ۱۰ سال جنگ خلق در پرو

بعد از گذشت ۱۰ سال از آغاز جنگ خلق در پرو تحت رهبری حزب کمونیست این کشور که یکی از شرکت کنندگان در «جنبش انقلابی انترناسیونالیستی» است، قطب انقلاب پرولتری آنچنان پر توان شده که دولت ارتجاعی و نیروهای مسلح دست بدامان امپریالیستهای یانکی گشته اند. ایالات متحده ستاد ویژه ای برای مقابله با جنگ خلق در پرو تشکیل داده و امر سرکوب این جریان را خود مستقیماً رهبری میکند. پیروزی انقلاب دمکراتیک نوین تحت رهبری مائوئیستها در پرو آنچنان نزدیک بنظر میرسد - و این دورنما برای منافع امپریالیستها خصوصاً آمریکا در منطقه آمریکای لاتین و کل جهان آنچنان خطرناک است - که یانکیها را بطور جدی بفرکر



VIVA LA LUCHA ARMADA
 PARTIDO COMUNISTA DEL PERU 1980-1983

۱۴ سال پیش، رشته ساختن جامعه نوین و انسانهای نوین در کشوری پهناور قطع شد. ۱۴ سال پیش پایگاه سرخ انقلاب جهانی - چین سرخ سوسیالیستی - بدست بورژوازی رویزیونیست غاصب قدرت و با حمایت بورژوازی بین المللی قلب ماهیت داد و دستاوردهای پرولتاریا و خلق سریما نابود گشت. از آن زمان، قدرتهای امپریالیستی - غربی و شرقی - و نوکرانشان همه تلاش خود را بکار برده اند تا آن میراث انقلابی را کاملاً از ذهن توده های اسیر ستم و استثمار زدوده، آنان را در مسیر مقاومت و مبارزه و شورش، از چراغ راهنمای انقلاب و سرمشق و نمونه ای الهامبخش محروم سازند. اما تاریخ و قوانین تکامل جامعه بشری گواه بی ثمر بودن این تلاش شوم است. اینکه بعد از گذشت ۱۴ سال از شکست پرولتاریا در چین، در گوشه دیگری از جهان، تجربه ساختمان گام به گام جامعه نوین - بهمراه نابودی جامعه کهن - تکرار میشود. امروز در کشور پرو، دست توانای کارگران، دهقانان و توده های ستمدیده در جریان جنگ خلق، رشته عمر دولت کهن و نهادهای گوناگون و حافظان رنگارنگش را از هم می گسلد و تار و پود جامعه نوین را می بافد.

بقیه در صفحه ۲

در این شماره می خوانید:

- پیام کمیته جنبش انقلابی انترناسیونالیستی به حزب کمونیست پرو ۲
- پیام اتحادیه کمونیستهای ایران (سربداران) به حزب کمونیست پرو ۳
- اطلاعیه حزب کمونیست پرو ۴
- جنگ خلق: نابود کردن کهنه، ساختن نو ۱۰
- «راه درخشان» از نگاه دشمن ۱۳
- حزب کمونیست پرو و مشی توده ای ۱۶
- جنگ خلق و کارزارهای ضد انتخاباتی ۱۸

روز پیروزی

این امر عظیم چگونه امکانپذیر گشته است؟ رمز دستاوردها و پیشرویهای انقلابی در پرو چیست؟ در مرکز مسئله، يك حزب انقلابی مسلح به يك خط ایدئولوژیک - سیاسی صحیح قرار دارد؛ حزبی مارکسیستی - لنینیستی - مائوئیستی که پرورده جنگ خلق و تحقق انقلاب را رهبری میکند. این حزب، ایدئولوژی پرولتاریا را در رأس همه امور قرار داده است؛ این ایدئولوژی بر نقشه ها، فعالیتها و نبردهای مختلف حاکم بوده و در مورد جایگاه و نقش تعیین کننده اش در پرورده انقلاب تردیدی وجود ندارد. انرژی و توان عظیم ستمدیدگان پرو - که دشمنان غدار را سخت به شگفتی واداشته - توسط همین عامل بحداکثر رها میگردد. اینکار یکشبه صورت نگرفته و نمیتوانسته چنین شود. حزب کمونیست پرو در آغاز ضعیف و کوچک بود و به يك معنا، از هیچ شروع کرد. این حزب در مقایسه با بسیاری نیروهای مسلح غیر پرولتری موجود در آمریکای لاتین - یا سایر نقاط جهان - نیروی آغاز کننده محدودتری داشت؛ اما جنگ خلق را با هدف روشن کمونیسم و اتکاء به آموزه های مائو آغاز کرد و در جریان آن، ارتش چریکی خلق را ساخت. حزب از همان آغاز، اصل «توده ها سازندگان تاریخند» را راهنمای عمل خود قرار داد. توده های غیر مسلح دیروز در پرورده جنگ، مسلح شدند؛ «هیچ بودگان» - همانها که دستیابی به قدرت سیاسی برایشان «کفر» بود - موفق گشتند تحت رهبری پیشاهنگ پرولتاریا در مناطق معین بر سرنوشت خویش حاکم گشته، به تمرین قدرت سیاسی پرداخته و برای رهبری و پیشبرد جامعه انقلابی فردا - در مسیر انقلاب جهانی پرولتاریائی - خود را آماده سازند.

طی ۱۰ سالی که از آغاز جنگ خلق در پرو میگذرد، بر تعداد کارگران و دهقانانی که بزیر پرچم مارکسیسم - لنینیسم - مائوئیسم گرد می آیند، افزوده گشته و هر روز توده های بیشتری با مقایسه دو قدرت، دو ارتش، دو فرهنگ، و دو رشته مناسبات متخاصم موجود، به سنگرهای جنگ خلق روی می آورند. آنها با پوست و گوشت خود مفهوم اصول راهنمای دولت طبقات ارتجاعی حاکم را درک میکنند؛ «توده ها به پیشیزی نمی ارزند؛ لگد مالشان کنید و شیره جانشان را بمکید.» آنها میبینند تفاوت میان ارتش سرکوبگر و ضامن منافع بورژوازی بوروکرات و زمینداران بزرگ و اربابان یانکی شان، با ارتش چریکی خلق را که از لوله تفنگش، رهائی و قدرت پرولتاریا و ستمدیدگان بیرون می آید. آنها در جدال میان دو فرهنگ آبدیده میشوند؛ میان فرهنگ تبعیت و بندگی در برابر دولت، قانون، «خدا»، قضا و قدر، ارباب، سرمایه دار، شوهر و پدر و برادر، فرهنگ ذلت و درماندگی در مقابل مشکلات، و فرهنگ خودپرستی و انفرادمنشی، با فرهنگ طغیان علیه ستمگری، بقیه در صفحه ۳

پیام کمیته جنبش انقلابی انترناسیونالیستی به حزب کمونیست پرو

بمناسبت دهمین سالگرد آغاز جنگ خلق در پرو

پرولتاری، کسب ذره ذره قدرت سیاسی، انجام انقلاب ارضی و استقرار مناطق پایگاهی انقلابی، محاصره شهرها از طریق دهاط طی يك جنگ دراز مدت جهت کسب توانایی برای دستیابی به قدرت سراسری و به انجام رساندن انقلاب دمکراتیک نوین، و بدین ترتیب گشودن راه بسوی سوسیالیسم پیروی کند. «بیانیه» همچنین تاکید می ورزد که «در کشورهای تحت سلطه آسیا، آفریقا و آمریکای لاتین عموماً يك اوضاع انقلابی مداوم وجود دارد.» حزب شما مسئولیت براه اندازی مبارزه مسلحانه را عمیقاً درک کرد و بر این مبنا عمل نمود.

در جریان جنگ، حزب شما بر توانایی های خود در پیشبرد وظایفش، بویژه از طریق بسیج و تعلیم بسیاری از دهقانان فقیر و پرولترهای در زاغه ها و کارخانه ها، افزود. شما ارتش چریکی خلق قدرتمندی را بمشابه شکل عمده تشکیلات تحت رهبری حزب ایجاد کرده اید، زیرا همانگونه که مائو گفت: «خلق بدون ارتش خلق، هیچ ندارد.» شما صدها «کمیته خلق» را بمشابه نطفه های دولت دمکراتیک نوین در مناطق روستائی ایجاد کرده اید که ستمدیدگان و متحدینشان از طریقشان به اعمال قدرت سیاسی می پردازند. شما مناطق پایگاهی انقلابی را بوجود آورده اید که جنگ خلق از آنها تغذیه میکند.

این دستاوردها در پیوند گسست ناپذیر با موضع، دیدگاه و شیوه عامی است که توسط مارکس و لنین انکشاف یافت و توسط مائو به مرحله کیفیتا عالیتری ارتقاء داده شد. سایر مبارزات مسلحانه در آمریکای لاتین و جهان که تحت رهبری نیروهای غیر پرولتری قرار دارد از خصلت درازمدت برخوردار نبوده و یا فاقد دورنمای کسب قدرت سراسری است. این مبارزات در بهترین حالت با امید دستیابی بنوعی توافق با این یا آن قدرت ستمگر انجام میگیرد - حتی اگر بشکل جنگ چریکی جریان داشته باشد. درست برخلاف آنها، حزب کمونیست پرو نزد دوست و دشمن با مواضع سازش ناپذیرش مشخص میشود: حزبی که مصمم است پرولتاریا و توده های ستمدیده را به قدرت برساند و وظایفش را بعنوان گردانی از پرولتاریای بین المللی تا نابودی طبقات و ستمگری در سراسر جهان ادامه دهد؛ حزبی که تحت هدایت خط مشی مائو مبنی بر جنگ به شیوه بسیج توده ها و اتکاء بدانها در کلیه وجوه، جنگ را از همان ابتدا به شکل جنگ توده ها بر پا داشته و کاملاً و با تمام وجود به توده ها اتکاء نموده و برای رها ساختن پتانسیل لایزالشان مبارزه کرده است. شیوه جنگی شما

بقیه در صفحه ۴

رفقای عزیز،
کمیته جنبش انقلابی انترناسیونالیستی، درودها و تبریکات خود را در هفده ماه مه امسال بمناسبت بزرگداشت دهمین سالگرد روزی که چندین رزمنده حزب کمونیست پرو صندوقهای رای را در دهکده کوهستانی «چوشی» در آند مصادره کرده و به آتش کشیده، و جنگ خلق را آغازیدند، نشارتان میسازد.

در چنین روزی بود که خیزش ستمدیدگان پرو برپا گشت. امروز، هزاران هزار تن از فرزندان خلق پرو تحت پرچمهای برافراشته حزب در دسته های بزرگ مسلح بسیج شده و جنگ خلق را در خدمت به انقلاب جهانی گسترش میدهند. این در حالی است که نظام سلطه و ستم در پرو در غرقاب فاجعه دست و پا میزند. چنین اوضاعی به همه انقلابیون و خلقهای تحت ستم روحیه و اعتماد به نفس میبخشد. جنبش انقلابی انترناسیونالیستی از حضور شما در صفوفش به خود می بالد. میدانیم که سایر انقلابیون مائوئیست جهان از تجارب گرانبهایی که به بهای خون رفقای پروئی بدست آمده، در خدمت به جنگی انقلابی که باید رهبریش کنند، درسهای مهمی می آموزند.

حزب شما در سال ۱۹۷۸ بمشابه بخشی از انترناسیونال سوم توسط «خوزه کارلوس ماریاتگی» بنیان نهاده شد. متعاقب مرگ وی، حزب به چنگ رویزیونیستها افتاد. سپس حزبی نوین طی يك سلسله مبارزات که تحت تاثیر پلمیکهای بین المللی مائو با رویزیونیستها، و انقلاب کبیر فرهنگی پرولتاریائی به پیش برده شد، ایجاد شد. در دوره ای که بسیاری از به اصطلاح نیروهای انقلابی در آمریکای لاتین و سایر نقاط به نفی ضرورت وجود حزب کمونیست رسیده بودند، و رهبران حزب کمونیست ضرورت قهر از طریق انقلاب تمام عیار را نفی می کردند، رفقای تحت رهبری رفیق گونزالو برای ایجاد حزبی مبارزه کردند که از نظر ایدئولوژیک، سیاسی، تشکیلاتی و نظامی قادر باشد قدرت سیاسی را مسلحانه بکف آورده و بسوی سوسیالیسم و کمونیسم پیش رود.

حزب شما شرایط مشخص کنونی پرو را از زاویه بکاربست آموزه های مائوتسه دون در مورد دمکراسی نوین و جنگ خلق مطالعه کرد. همانگونه که «بیانیه» جنبش ما میگوید، این «نقطه رجوعی برای پرداخت استراتژی و تاکتیکها» در کشورهای تحت سلطه امپریالیسم است - کشورهائی که انقلابشان عموماً باید از راه بپاخیزی دهقانان تحت رهبری حزب

وهز پیروزی

جرات کردن و در دست گرفتن سرنوشت خود، مرعوب قوای مسلط و قدرتمند در جامعه و طبیعت نشدن، و توجه به سرنوشت همزنجیران در مقیاس جهانی و مبارزه برای بهروزی کل بشر - از هر رنگ و هر جنس.

جنگ توده ها و برقراری قدرت سیاسی سرخ از مسیری پیچیده و دشوار عبور میکنند. دشمنان خلق گرچه قلیلند، اما بطور تاکتیکی قدرتمندند: آنها ارتشی مجهز به پیشرفته ترین و مرگبارترین تسلیحات و پشتوانه يك جهان امپریالیستی را دارند. در مقابل، اکثریت جامعه - کارگران و دهقانان و دیگر ستمدیدگان - قرار گرفته اند که از لحاظ استراتژیک قوی هستند؛ چرا که آنها دهها میلیون توده اند که روز بروز متشکلتر شده و تحت رهبری حزب به برپایی سازمان اجتماعی، نوین میپردازند. همانگونه که حزب کمونیست پرو تاکید دارد دولت نوین، دیکتاتوری مشترک کارگران، دهقانان و دیگر نیروهای ترقیخواه تحت رهبری پرولتاریا است؛ این شکلی از دیکتاتوری پرولتاریاست که از هم اکنون در مناطق پایگاهی سرخ پرو، پی ریزی میشود - آنهم درست در شرایطی که امپریالیستها و مرتجعین عالم فریبکارانه روزه «مرگ کمونیسم» سر داده و تلاش دارند ورشکستگی دول سوسیال امپریالیست و رویزیونیست در شوروی، اروپای شرقی، چین و آلبانی، و بحران سرمایه داری دولتی در این کشورها را شکست «دولت پرولتاریا و سوسیالیسم» جا بزنند.

امروز در برابر چشم مشتاق ستمدیدگان جهان، و نگاه هراسان دشمنان انقلاب، جنگ خلق در پرو با جهشهای پی در پی به کسب سراسری قدرت سیاسی نزدیک میشود. این امر، پیشرفت مهمی برای جنبش بین المللی کمونیستی - مشخصا جنبش انقلابی انترناسیونالیستی که حزب کمونیست پرو از شرکت کنندگان در آنست - بحساب می آید. اما رسالت پرولتاریای انقلابی در سایر کشورها، نه صرفا انتظار این تحول ناگزیر و شادی آفرین را کشیدن است و نه فقط حمایت از جنگ خلق و حزب کمونیست پرو. آنچه پیش از هر چیز از ما طلب میشود، آموختن از تجربه رفقای مائوئیست پروئی در ساختن و پرداختن و تکامل يك حزب آهنین پرولتری و تدارک و آغاز جنگ خلق است. آنچه در درجه اول باید سرمشق قرار گیرد، ضرورت استواری ایدئولوژیک و برخورد به وظایف و فعالیتهای گوناگون انقلابی از دریچه ایدئولوژی پرولتاریاست. آنچه تخطی ناپذیر است، پیروی از استراتژی و نقشه ای صحیح و متناسب با واقعیت عینی يك جامعه عقب مانده و تحت سلطه امپریالیسم برای تحقق انقلاب دمکراتیک نوین و گذار به مرحله ساختمان سوسیالیسم است. در مسیر نابود کردن کهنه و ساختن نو، از حزب کمونیست پرو و پراتیک پیروزمندش میتوان و باید بسیار آموخت. ●

پیام اتحادیه کمونیستهای ایران (سربداران)

به حزب کمونیست پرو

در محکومیت طرحهای تبهکارانه امپریالیسم آمریکا علیه جنگ خلق در پرو

پرو بسیار آموخته ایم و بیشتر خواهیم آموخت: از استحکام بر سر ایدئولوژیمان یعنی مارکسیسم - لنینیسم - مائوئیسم؛ از تلاش خستگی ناپذیر در ساختن حزبی انقلابی چرا که بدون آن هیچ انقلابی پیروز نمیشود؛ و بالاخره درك عمیق شما رفقا از این مسئله که وظیفه مرکزی کمونیستها کسب قدرت سیاسی از طریق جنگ خلق است و اینکه «بدون ارتش خلق، خلق هیچ ندارد».

در شرایط کنونی پرولتاریا و توده های ستمدیده خاورمیانه در اشتیاق غرق کردن نیروهای اشغالگر امپریالیستها - بخصوص امپریالیسم یانکی - در آبهای داغ خلیج و بدرک فرستادن تمام دول ارتجاعی که امپریالیسم آنان را جهت اعمال سلطه خود در این منطقه پرورش داده است، میسوزند. شك نیست که این امر فقط از طریق جنگ خلق تحت رهبری پرچم سرخ مارکسیسم - لنینیسم - مائوئیسم امکان پذیر است. بنابراین پرولتاریا و خلقهای این منطقه بطور عاجل نیازمند احزاب کمونیست متکی بر مارکسیسم - لنینیسم - مائوئیسم می باشند. توده های خاورمیانه بارها برای انقلاب کردن سربلند کرده اند و علیرغم وارد آوردن ضربات مهم به امپریالیسم و ارتجاع، هر بار انرژی انقلابی آنها توسط نیروهای رویزیونیست، ناسیونالیست و مذهبی به هدر رفته و به امیدهای آنها خیانت شده است - استقرار حکومت منفور جمهوری اسلامی در ایران یکی از این تجارب تلخ میباشد. دیگر زمان آن رسیده که بر این دور باطل نقطه پایانی گذارده شود. و این وظیفه ما کمونیستهاست که چنین کنیم. مشعل فروزان جنگ خلق در پرو کملک بزرگی به تلاشهای ماست.

بورژوازی بین المللی تلاش دارد با حذف خبرهای مربوط به پیشرفتهای جنگ خلق از مطبوعات بین المللی و با اشاعه دروغهای پلید علیه آن نگذارد که استشارشوندگان و ستمدیدگان جهان این مشعل درخشان را در آن گوشه جهان ببینند. واضح است که امپریالیسم آمریکا از فکر پیروزی انقلاب تحت رهبری حزب کمونیست پرو برخوردار است چرا که میدانند بدین ترتیب نه تنها از پرو ریشه کن خواهد شد بلکه پایه های قدرتش در سراسر آمریکای لاتین و فراتر از آن به لرزه در خواهد آمد، و این امر تحرکی نوین به پروسه انقلاب جهانی خواهد بخشید. از این رو برای نابود کردن جنگ خلق در پرو توطئه میچینند و نقشه میریزد که از جمله شامل دخالت نظامی گسترده امپریالیسم یانکی در پرو می باشد.

بقیه در صفحه ۴

قبل از هر چیز مایلیم گرمترین سلامهای کمونیستی خود را به رفیق گونزالو - صدر حزب - که تحت رهبری او گردان قهرمان پرولتاریای جهانی در پرو - یعنی حزب کمونیست پرو - ستمدیدگان را موج موج به جنگ خلق برانگیخته و پیروزیهای بزرگی برای انقلاب جهانی کسب کرده است، برسانیم؛ همچنین دروهای گرم خود را به کمیته مرکزی حزب، اعضا حزب و رزمندگان ارتش چریکی خلق میفرستیم؛ از شما تقاضا داریم احساسات انقلابی ما را به توده های شکست ناپذیر پرو، به کارگران و دهقانانی که سرنوشت خود را در دست گرفته و برای پیروزی انقلاب از عرق جبین و جان عزیز خود مایه گذارده و از هیچ فداکاری دریغ ندارند، منتقل کنید. آنان باید بدانند که به تمام ستمدیدگان و انقلابیون جهان حس اطمینان، غرور و قدرت می بخشند. انقلاب پرو در پیشاپیش انقلاب جهانی قرار گرفته است. ما حمایت قاطعانه خود را از جنگ خلق در پرو، بالاخص در مقابل طرحهای تبهکارانه امپریالیسم یانکی برای نابود کردن آن، اعلام می داریم.

پیشرفتهای جنگ خلق تحت رهبری حزب کمونیست پرو، در نابود کردن گام به گام دولت کهن همراه با مناسبات کهنه وابسته به آن؛ در متولد ساختن قدرت سیاسی نوین، مناسبات نوین اجتماعی و تقویت روزافزون این دولت انقلابی نوظهور؛ و مضافا، ظاهر شدن دورنمای کسب سراسری قدرت سیاسی، حقیقتا پیروزیهای عظیمی برای جنبش بین المللی کمونیستی و بالاخص جنبش انقلابی انترناسیونالیستی است. بخصوص امروزه، پیشرفتهای پرولتاریا در پرو ضد حمله جانانه ای است علیه کارزار ضد کمونیستی جدیدی که توسط رویزیونیستها، امپریالیستها و مرتجعین جهان براه افتاده است. این پیشرفتهای قدرت عظیم ایدئولوژی و علم ما یعنی مارکسیسم - لنینیسم - مائوئیسم را به معرض نمایش می گذارد.

جامعه ای نوین در دل کوههای آند پیروزمندانه در حال زاده شدن است و این ثابت می کند که عقبگرد ما در چین پس از مرگ صدر مائو - یعنی احیاء دیکتاتوری بورژوازی و سرمایه داری در آنجا - فقط عقبگردی موقت در مارش طولانیمان در جاده پرپیچ و خم انقلاب جهانی بسوی کمونیسم در جهان، بوده است.

ما کمونیستهای ایران از حزب کمونیست

اطلاعیه

حزب کمونیست پرو :

در دهمین سالگرد جنگ خلق، دروهای انقلابی خود را نثار پرولتاریا و خلق پرو، بویژه دهقانان - عمدتا دهقانان فقیر - می کنیم. ما به توده های خلق درود می فرستیم، چرا که توده ها تاریخسازند و جنگ خلق را به پیش می برند؛ زیرا نبرد آهنگین آنها که با فقر و مبارزه درخشان و خاموشی ناپذیرشان آبدیده گشته به برپائی و تکامل جنگ خلق انجامیده است. ما همچنین به رهبری، کادرها و اعضای حزب، به رزمندگان ارتش چریکی خلق درود میفرستیم - به هزاران هزار فرزند خلق که جامعه کهن پرو را بلرزه درآورده و در حال دگرگون ساختن تمام و کمال آن هستند؛ آنها که با زبان کوبنده سلاح، جامعه نوینی را برای تمامی ستمدیدگان و استثمار شدگان بنا میکنند.

ما به پرولتاریا و توده های خلق درود می فرستیم، زیرا که در آتش جنگ خلق، گرسنگی و خون آنها تعمیم یافته و به شعله های سوزان و خاموشی ناپذیر مارکسیسم - لنینیسم - مائوئیسم - ایدئولوژی راستین و توانمند پرولتاریای بین المللی - تبدیل گشته است. به آنها درود می فرستیم، بدین جهت که عملیات آنها، پشتیبان و پیشبرنده مبارزه علیه تعرض ضد انقلابی نوین و جهانی رویزیونیستها تحت رهبری گورباچف و دن سیائوپین است؛ این عملیات همچنین امکان مقابله با کارزار شیطانی و همه جانبه ضد مارکسیستی امپریالیستها - در تبتانی و رقابت با رویزیونیستها - را پدید آورده است. به آنها درود می فرستیم زیرا به يك کلام، به مبارزه بی امان و سازش ناپذیر علیه امپریالیسم، رویزیونیسم و ارتجاع در سراسر جهان خدمت کرده و با رشد انقلاب جهانی پرولتری، مارکسیسم - لنینیسم - مائوئیسم را فرمانده و راهنمای پرولتاریا و خلقهای سراسر جهان میسازند.

ما به پرولتاریا و خلق - به توده ها - درود می فرستیم، زیرا با دستان قدرتمند خلاقیت و نبرد خود، ۳ ابزار انقلاب را ایجاد کرده اند؛ زیرا حزب کمونیست پرو - پیشاهنگ متشکل پرولتاریا، رهبر و ضامن انقلاب پرو، و محور و مرکز کل سازمان انقلابی متکی بر مارکسیسم - لنینیسم - مائوئیسم، اندیشه گونزالو - از روح خلل ناپذیر شورش و نبرد پایان نیافتنی آنها تغذیه میکند. به ایشان درود می فرستیم زیرا قهرمانی سرکش آنها هر روز در قلب ارتش چریکی خلق میتبد - ارتش طراز نوینی که درست نقطه مقابل نیروهای مسلح ارتجاعی بوده و تحت رهبری حزب وظایف سیاسی انقلاب را به پیش برده، شالوده دولت نوین را بنیان نهاده و به مردم خدمت می کند. به آنها درود میفرستیم زیرا قدرت سیاسی نوین توسط قابلیت بی نظیر آنها در

جنگ خلق درگیر نبرد با ارتش منظم سیصد هزار نفره پرو شد و در طول سالهای بعد از آن، مرتجعین ۱۴ هزار تن را به قتل رسانده اند. اکنون آمریکا با حمایت کلیه دول امپریالیستی شرق و غرب، شالوده پایگاههای نظامی جدیدی را میریزد و خود را برای احتمال يك مداخله مهم آماده می سازد. رویارویی با این اقدام، محتاج فداکاریهای بس عظیمتر از جانب خلق است و نتایج بیشمار و کم نظیری برای طرفین در برخواهد داشت. نبردهای تعیین کننده ای در افق نمایان گشته اند.

پروزیهای جنگ خلق در پرو تحت خط و رهبری صدر حزب، رفیق گونزالو، پروزیهای انقلاب جهانی پرولتری است. گام مهمی که در هفده ماه مه ۱۹۸۰ برداشته شد، برخاسته از عزم جزم حزب، رهبری و اعضایش بود که جهت غلبه بر موانع همه چیز را در طبق اخلاص نهاده و مرگ را بمصاف طلبیدند تا جنگ خلق را برپا دارند و تداوم بخشند. ما با کارگران، دهقانان و رفقای انقلابی پروئی عهد میبندیم که همچنان از ایشان حمایت کرده و سهم خود را جهت نیل به هدف مشترکمان اداء نمائیم. ●

کمیته جنبش انقلابی انترناسیونالیستی
۱۷ ماه مه ۱۹۹۰

بطور مشخص از جنگ خلق در پرو دفاع کرده و علیه مقاصد و اعمال امپریالیسم آمریکا برای نابود کردن آن مبارزه خواهیم کرد. در این جریان امپریالیسم یانکی نه فقط با توده های پرو که با ستمدیدگان و استثمار شوندهگان در سراسر جهان روبرو خواهد بود. ما کمونیستها به کارگران و دهقانان و توده های انقلابی ایران می گوئیم این جنگ، که صحنه اصلی نبردش پرو بوده و رزمندگان آن دختران و پسران خلق پرو میباشند، جنگ همه ماست. برای ما انقلاب پرو بسیار گرانبهاست و هرگز اجازه نخواهیم داد که امپریالیستها و مرتجعین این مشعل فروزان ما را خاموش کنند. شعله های سرخ آن خاموش نشدنی است. ●

زنده باد مارکسیسم - لنینیسم - مائوئیسم!
زنده باد حزب کمونیست پرو!
پیروز باد جنگ خلق در پرو!
زنده باد انترناسیونالیسم پرولتری!

اوت ۱۹۹۰ - شهریور ۱۳۶۹

آدرس پستی ما:
S.U.I.C
BOX 50079
40052 GÖTEBORG
SWEDEN

پیام کمیته جنبش انقلابی انترناسیونالیستی را اهداف و دیدگاهتان معین ساخته است. تنها مائوئیستها، یعنی نمایندگان طبقه ای که بشارت دهنده کمونیسم است، می توانند جنگ خلق را به پیش برند.

«بیانیه جنبش انقلابی انترناسیونالیستی» تصریح میدارد: «بدون مارکسیسم - لنینیسم - اندیشه مائو تسه دون نمی توان رویزیونیسم، امپریالیسم و ارتجاع را بطور عموم شکست داد.» اکنون پروزیهای شما حقیقت ارزیابی فوق را از جهتی مثبت تایید میکند - حقیقتی که توسط بسیاری تجارب منفی تاسف بار به اثبات رسیده بود.

از آنجا که جنگ شما يك جنگ خلق راستین است، طی دهسال بیشتر از تمامی اقدامات انقلابی دیگر در آمریکای لاتین پیشروی کرده است. شما این جنگ را به ۲۲ استان از کشور ۲۴ استانی پرو گسترش داده اید. شعاع عملیات نظامی شما، سلسله جبال مرکزی کشور از شمال تا جنوب و دره های منتهی به جنگلها در شرق و شهرهای ساحلی در غرب را در بر می گیرد. شهرهای پرو، بویژه پایتخت، بارها توسط عملیات مسلحانه فقیران سازمان یافته شهری بلرزه درآمده اند. از دوره اولیه ای که نخستین دسته های رزمنده حتی فاقد سلاح بودند تا سالهای بسیار دشوار ۱۹۸۳ و ۱۹۸۴ که

پیام اتحادیه کمونیستهای ایران (سرداران)

ما معتقدیم که دره های عمیق و وسیع پرو گورستان مناسبی برای نیروهای متجاوز امپریالیسم یانکی و یا هر ارتش ارتجاعی دیگری است که به قصد نابود کردن جنگ خلق به پرو سرازیر شود. ما اطمینان راسخ داریم که توده های قهرمان پرو، رزمندگان دلآور ارتش چریکی خلق تحت رهبری توانای حزب کمونیست پرو بهر قیمت که شده نیروهای متجاوز را در عمق سرزمینهای خود محاصره و نابود خواهند کرد. ما مطمئنیم که در پرو صد برابر بیشتر از جنگ ویتنام ثابت خواهد شد که امپریالیسم آمریکا ببری کاغذی بیش نیست؛ چراکه ایدئولوژی رهبری کننده این جنگ و هدف نهائی آن فوق العاده قدرتمند تر از ایدئولوژی رهبری کننده جنگ ویتنام علیه یانکیها است.

برای ما کمونیستهای ایران روشن است که بزرگترین دفاع از جنگ خلق در پرو، افزودن بر تلاشهایمان جهت تشکیل حزب کمونیست متکی بر مارکسیسم - لنینیسم - مائوئیسم و آغاز جنگ خلق در ایران است؛ اما همچنین

آدرس جنبش انقلابی انترناسیونالیستی

BCM RIM
LONDON
WC1N 3XX,
U.K.

پایبای

در سال ۱۹۷۷ برنامه برای ساختمان حزب در سطح سراسری ریخته شد. بعبارت دیگر تمام سیستم تشکیلاتی حزب دوباره مورد بررسی قرار گرفت. قبلا حزب به کمیته های استان تقسیم شده بود. با مطالعه تاریخ مبارزه طبقاتی و شرایط سیاسی، اجتماعی، جغرافیایی و اقتصادی بود که کمیته های منطقه ای حزب تعیین شدند. همینکه کمیته های منطقه ای تعیین شدند، تصمیم گرفته شد که اعضای حزب به مناطق مختلف فرستاده شوند - به ترتیب اهمیت به کمیته منطقه ای عمده و سایر کمیته های منطقه ای، آنها به کار توده ای پرداخته و بتدریج با توده ها، بخصوص دهقانان فقیر، در آمیختند. در شهرها، کار با پرولتاریا جلو می رفت، حزب از طریق تشکلات توده ای که در میان کارگران، دهقانان فقیر، زنان، روشنفکران و جوانان بنا نهاده بود، بخشهای ایدئولوژیک - سیاسی دوران تدارک را به میان توده ها میبرد و آنان را در درک ضرورت جنک خلق یاری میرساند. سال ۱۹۷۷ جریانی آغاز شد که حزب آن را «گست بزرگ» خواند. کادرهای حزب کمونیست پرو بر مبنای سیاست فوق الذکر به مناطق مختلف اعزام شدند. لازم بتذکر است که در ابتدا ترکیب طبقاتی حزب اکثرا از خرده بورژوازی شهری تشکیل یافته بود. آنها از خانواده و محل زندگی شان بریدند و به روستا رفتند تا انقلاب را سازمان دهند. در فاصله ۱۹۷۷ تا ۱۹۸۰، کادرهای حزب به جذب توده های محلی پرداختند.

در همین مقطع، حزب به طراحی و پیشبرد دو فعالیت تدارکاتی مهم دیگر هم پرداخت: تشکیل يك کنفرانس وسیع سراسری و ایجاد يك مدرسه نظامی. در آن کنفرانس همه آثار مائو که به جنک خلق و امور نظامی مربوط میشود، و نیز آثار مارکس، انگلس، لینن و استالین در این باره مورد مطالعه قرار گرفت. بعلاوه تجربه سایر جنبشهای انقلابی مورد بحث و بررسی واقع شد؛ مثلا جنبش هوک ها در فیلیپین. کنفرانس از بررسی این جنبش نتیجه گرفت که آنها به اشتباه فقط در روستا به مبارزه مسلحانه دست زدند؛ بهمین خاطر منفرد گشته و آتش مبارزه خاموش شد. کمونیستهای پرو از این تجربه آموختند که باید در شهر هم پیشروی کرد - اما روستا عمده است. در کنفرانس مذکور همچنین تجربه جنبشهای انقلابی آمریکای لاتین مطالعه شد؛ مثلا مبارزه مسلحانه ای که طی دهه ۱۹۶۰ در برزیل جریان داشت. در آن جنبش، پیشروی با تکیه به روستا بعنوان عرصه عمده صورت گرفت؛ در عین حال که عملیات شهری نیز انجام میشد. اما وقتی نقطه تمرکز مبارزه مسلحانه به شهر انتقال یافت، این جنبش نابود گشت. در اوروگوئه نیز چنین بود؛ تا وقتی نقطه اتکاء دهقانان بودند، پیشروی صورت میگرفت. وقتی دهقانان رها شدند و انقلابیون به شهرها عقب نشینی کردند نابود گشتند. کنفرانس تا آنجا که امکان داشت تاریخ جنگهای انقلابی و تمامی بقیه در صفحه ۶

تدارک يك مداخله گسترده نظامی از نوع ویتنام انداخته است. در مقابل، کارگران و دهقانان آگاه و مسلح پرونی مصمم تر از هر زمان، خود را برای هرگونه اقدامی از سوی دشمنان غدار پرولتاریا و خلق آماده میکنند. آنان را هراسی از تسلیحات پیچیده و مرگبار امپریالیستها نیست، چرا که «بشیوه خود میجنگند» و راه نابودی ذره ذره دشمنی که از لحاظ تاکتیکی قوی و بزرگ، اما از نظر استراتژیک ضعیف و محکوم به شکست است را خوب فراگرفته اند. حزب کمونیست پرو و ارتش چریکی خلق که تحت رهبریش قرار دارد در تجربه ۱۰ سال اخیر، اجزاء گوناگون جنک بشیوه پرولتاریا و خلق، و الزامات و ابزار چنین جنگی را بطور چشمگیری نمایان ساخته اند. در اینجا میکوشیم با استفاده از اسناد مختلف حزب کمونیست پرو، منجمله سندی تحت عنوان «گزارش ۹ سال جنک»، تصویری گسترده تر و دقیقتر از پروسه رشد و گسترش جنک خلق بدست داده، جوانب گوناگون این تجربه ارزشمند را روشنتر از گذشته مورد بحث و بررسی قرار دهیم.

برای آنکه انقلابی باشد،
باید يك حزب انقلابی
وجود داشته باشد

صفت ممیزه جنک خلق در پرو، رهبری پرولتری آن است که از طریق حزبی مائوئیستی اعمال میشود. این حزب در جریان بازسازی و در بحبوحه مبارزات حاد ایدئولوژیک - سیاسی، به استحکام و انسجام کنونی خود دست یافته است. حزب کمونیست پرو بسال ۱۹۲۸ توسط «خوزه کارلوس ماریاتگی» بر پایه مارکسیسم - لیننیسم بنیان گذاشته شد. او با بکار بست م - ل يك خط عمومی سیاسی برای انقلاب پرو تدوین کرد؛ اما پس از مرگ وی این خط رها شده و حزب به رویزیونیسم درغلطید. سالها طول کشید تا رویزیونیسم طرد شود و حزب بر اساسی نوین - بر پایه رفیعترین قله ایدئولوژی و علم انقلاب پرولتری - بازسازی گردد. دوره بازسازی با مبارزه سرسختانه فراکسیون سرخ حزب علیه رویزیونیسم رقم خورد که از لحاظ تاریخی، زادگاهش منطقه روستائی آیاکوچو بود. کمیته منطقه ای اصلی حزب در آیاکوچو که تحت رهبری رفیق گونزالو - صدر کنونی حزب - قرار داشت از سال ۱۹۶۰ بکار در میان دهقانان مشغول بود. در نتیجه مبارزات فراکسیون سرخ و پیروزی آن، حزب بر پایه مارکسیسم - لیننیسم - اندیشه مائو (آزمان حزب، مائوئیسم را به این نام میخواند) بازسازی یا در واقع، دوباره ایجاد شد؛ تمام مواضعی که در مخالفت با اندیشه مائو تسه دون بود طرد گشت. این بازسازی و دستیابی به يك حزب طراز نوین پرولتری، امری تعیین کننده در آمادگی برای آغاز جنک خلق بود.

دروود و افتخار بر پرولتاریا و خلق پرو

ایجاد تحول و قابلیت قدرتمند سازندگیشان پی ریزی شده، مورد پشتیبانی قرار گرفته و ساخته میشود. این قدرت، دیکتاتوری مشترکی است متکی بر وحدت کارگر و دهقان که پرولتاریا از طریق حزبش بر آن اعمال رهبری میکند. این همان دولت نوینی است که طی چند سال، روز به روز در کمیته های خلق و مناطق پایگاهی شکوفا شده و قدرتمندتر گشته و امروز در روشنائی آفتاب در میان بازوان مردم می درخشد.

در دهمین سالگرد جنک خلق به پرولتاریا و خلق - به توده ها - درود میفرستیم زیرا بدون حمایت بی نظیرشان، صحبتی از جنک خلق در پرو نمی توانست در میان باشد. به آنها درود می فرستیم زیرا بدون نانی که قسمت کردند، تلاشهای خستگی ناپذیر و بی وقفه ای که بعمل آوردند و خون گرانقدری که نثار نمودند، جنک خلق نمی توانست به این جایگاه دست بیابد؛ نمیتوانست به بزرگترین و بی نظیرترین حماسه تحول در تاریخ خلق پرو تبدیل شود. به آنها درود میفرستیم زیرا حمایت ایشان سند غیر قابل انکاری از شکست ناپذیری جنک خلق و گواه ارزشمند زنده بودن مارکسیسم - لیننیسم - مائوئیسم، عمدتا مائوئیسم می باشد. به آنها درود می فرستیم زیرا بدون خدمات روزافزونشان، جنک خلق نمی توانست به اینجا برسد - یعنی به منبع امیدی فراتر از مرزهای پرو، که پیروزی کلید گسترش انقلاب جهانی پرولتری است، بدل شود. به آنها درود می فرستیم زیرا بدون پرولتاریا و خلق، بویژه دهقانان - عمدتا دهقانان فقیر - و بدون انجام تمام و کمال جهشی بزرگ در امر درگیر ساختن توده ها در جنک خلق، نمی توان قدرت سیاسی سراسری را کسب نمود.

به آنها درود میفرستیم، بدلائل فوق و بدین جهت که همواره توده ها را تاریخساز میدانیم؛ آنها هستند که سلاح بر کف، جنک خلق را بمشابه ادامه مبارزه طبقاتی به پیش برده و خواهند برد. ما به پرولتاریا و خلق و توده ها بخاطر پیروزیهای عظیمی که طی دهسال جنک خلق کسب کرده اند، درود می فرستیم و آنها را فرامیخوانیم که بیش از پیش سرنوشت خود را از طریق جنک خلق تحت رهبری حزب بدست گیرند و قدرت سراسری را کسب کنند؛ کسب قدرت سیاسی را سازمان دهید؛ جمهوری دمکراتیک خلق پرو را بنا نهید!

زنده باد دهمین سالگرد جنک خلق!
زنده باد حزب کمونیست پرو!
زنده باد صدر گونزالو!
افتخار بر مارکسیسم - لیننیسم - مائوئیسم!
دروود و افتخار بر پرولتاریا و خلق پرو!
کمیته مرکزی حزب کمونیست پرو
پرو، ماه مه ۱۹۹۰

پایبای

جنگها - بخصوص جنگ خلق در چین - را مورد بحث و بررسی قرار داد.

سپس، در آوریل سال ۱۹۸۰ يك مدرسه نظامی ایجاد شد که اعضای حزب را در مورد مسئله قهر انقلابی و جنگ خلق، تاریخ پرو و مبارزات توده ها، مبارزات دهقانان و کارگران پرو از زمان استقلال به بعد آموزش داد؛ از جمله در مورد چگونگی نبرد دهقانان برای استقلال پرو و جنبشهای شهری آزمان؛ یا مبارزات دهقانان آياکوپو در سال ۱۹۲۰ که از روستا شروع شد و سپس شهرها را مورد حمله قرار داده، به نهادهای سرکوبگر ضربه زد. حزب جمعبندی کرد که توده ها علیرغم اینکه در طول تاریخ مبارزه کرده، خون داده و به جانی نرسیده اند، اما همیشه آماده بکارگیری قهر انقلابی برای بهبود وضع خویش بوده و هستند.

با وجودیکه جنگ خلق به استراتژی حزب کمونیست پرو بدل گشته بود و تمام گامهای ایدئولوژیک - سیاسی و نظامی تدارکاتی نیز در راستای پیشبرد این استراتژی انجام میشد، اما بر سر چگونگی و زمان آغاز جنگ، مبارزه دو خط در گرفت. يك خط اپورتونیستی راست درست قبل از شروع جنگ و در مخالفت با اینکار بیرون زد. این خط مطرح میساخت که هنوز شرایط آماده نبوده و بهمین خاطر حزب داغان خواهد شد و چند نسل طول خواهد کشید تا بتواند دوباره سربلند کند. سرانجام خط اپورتونیستی راست شکست خورد؛ نیمی از کمیته مرکزی حزب تصفیه شد و حزب با تعداد کمتر ولی متحدانه به جنگ خلق روی آورد. این امر نشانگر پیروزی خط مائونیستی رفیق گونزالو بود که مسئله اصلی را بدرستی نه کمیت افراد بلکه خواست، اراده و موضع ایدئولوژیک حزب بمثابة يك کل واحد میدانست و به اصل «خلق شکست ناپذیر است» اعتقاد راسخ داشت.

آغاز

داشتن نقشه درست برای آغاز و ادامه پیروزمندانه جنگ ضروری بود. در سال ۱۹۸۰، درست همانزمان که حزب کمونیست پرو در حال طراحی چنین نقشه ای بود، حکومت نظامی کنار رفت و حکومت غیر نظامی «بلونده» بسرکار آمد. رفیق گونزالو - صدر حزب - بعدها طی مصاحبه ای در روزنامه پسرولی «آل دیاریسو» بسال ۱۹۸۹، به تاثیر این تحول سیاسی در انتخاب زمان آغاز جنگ اشاره نمود. حزب در آن موقع ارزیابی کرد که ارتش ارتجاع بعد از ۱۲ سال حکومت نظامی کاملاً در دید خلق بی اعتبار شده و حکومت جدید نیز که خود را دموکراتیک میخواند ریسک به میدان آوردن ارتش را نمیکند. این ارزیابی صحت خود را نشان داد؛ تا دو سال بعد از آغاز جنگ خلق، حکومت فقط نیروهای پلیس را برای مقابله با آن اعزام داشت. حزب، نقشه آغاز را از طریق دو نقشه

حزب کمونیست پرو تجربه آغاز و پیشبرد جنگ خلق در پرو را تجربه مفیدی میداند که تمام کمونیستهای جهان باید آن را مطالعه کنند. این حزب در مورد جنگ خلق، چهار نکته اساسی را جمعبندی میکند:

اول، ضرورت استواری بر مارکسیسم - لنینیسم - مائوئیسم. هر کجا که جنگهای انقلابی اضمحلال یافته اند عمدتاً مربوط به عدول از این مسئله بوده است. بنابراین ایدئولوژی اهمیت تعیین کننده دارد.

دوم، باید يك حزب طراز نوین داشت که برای شروع جنگ خلق تعلیم دیده باشد. سوم، اهمیت جنگ خلق. این جنگ توده هاست که توسط حزب رهبری می شود. در يك کشور عقب مانده، بخش عظیمی از توده ها دهقان هستند؛ لذا انقلاب باید از روستا به شهر پیشروی کند.

چهارم، اهمیت قدرت سیاسی نوین. هر کجا خلاء قدرت ایجاد شد باید قدرت سیاسی نوین - مناطق پایگاهی - ساخته شود. بعبارت دیگر مناطق پایگاهی پشت جبهه انقلابند. در غیر اینصورت ارتشهای چریکی تبدیل به دسته های شورشی سرگردان، و جنگشان تبدیل به جنگی بدون دورنما میشود.

از «گزارش ۹ سال جنگ خلق» - حزب کمونیست پرو

کوکتل مولوتف بود. در روستا هم جوخه ها همینطور شکل یافته و عمل میکردند. جوخه ها، در روستا از ۹ تا ۱۱ نفر تشکیل می شد: اعضا حزب به اضافه فعالین توده ای، آنها ابتدائاً به سلاحهای سنتی - ساطور، چاقو، دینامیت و امثالهم - مسلح بودند و نخستین فعالیتشان برافراشتن پرچمهای سرخ بود. نیروهای نظامی تحت رهبری حزب در مقطع آغاز جنگ خلق، صرفاً از دسته های چریکی تشکیل میشد؛ البته از همان ابتدا، میلیشیا هم ایجاد گشته بود. (۴)

اولین عملیات نظامی دسته های چریکی در «کوشچی» و بصورت آتش زدن صندوقهای رای بود. دو ماه پس از آن، در نقاط دیگر نیز عملیات آغاز شد. طی این مدت، ۹۸ عملیات مختلف در استان آياکوپو و در شهرهایی مانند «کالگالو»، «هوآمانگا»، «هوآنتا» انجام گشت.

بواسطه کار تدارکاتی که پیشاپیش از طریق جذب افراد محلی صورت گرفته بود، حزب کمونیست پرو بهنگام شروع جنگ از

میلیشیا متشکل از افرادی است که ۸ تا ۱۲ ساعت در روز کار میکنند یا بعبارت دیگر کار عمده آنها، تامین معاش خودشان است. زمان و مکان جنگیدن برای میلیشیا دائمی نیست. فرم سازماندهی میلیشیا دقیقاً مثل دسته است. نحوه پیوستن توده های شهری به میلیشیا بدینگونه است که نخست در مدرسه خلق متشکل می شوند؛ در آنجا با خط سیاسی حزب و دلایل مبارزه مسلحانه آشنا میشوند و سپس کسانی که از میانشان تصمیم به پیوستن میگیرند به میلیشیا وصل می شوند.

تابعه به پیش برد: اول، از ماه مه تا ژوئیه ۱۹۸۰ که در طول آن ۲۸۰ عملیات انجام شد و به سازمان دادن جوخه ها (در روستا) و دسته ها (در شهر) انجامید. این دسته ها و جوخه ها با ترکیب اعضا حزب و توده های تحت رهبری آنان و انجام عملیات توسط آنها انجام گرفت. عملیات از کارهای ساده مانند سوزاندن صندوقهای رای («چوشی») و آویزان کردن سگ مرده در لیما به کارهای پیچیده تر مانند ویران کردن مزرعه «آیرامایا» در آياکوپو طی بسیج صدهاتن از توده ها و تقسیم اراضی تکامل یافت. جنگ از همان ابتدا، بر طبق نقشه حزب نه فقط در يك نقطه که در نقاط مختلف آغاز شد و در شهر و روستا همزمان به پیش رفت. باید تاکید کنیم که از همان زمان، روستا بعنوان رزمگاه عمده جنگ خلق تعیین گشته بود.

دست زدن به شکل جدید مبارزه یعنی مبارزه مسلحانه، شکل جدیدی از سازماندهی یعنی تشکیل دسته ها و جوخه ها را الزام آور ساخت. شکل گیری نخستین دسته ها بدین صورت بود که اعضا هسته های حزبی در ترکیب با توده های تحت رهبری شان يك دسته یا هنگ را تشکیل دادند. یکی از این اعضا حزبی رهبری سیاسی دسته بود و دیگری رهبری نظامی. این دسته ها ابتدا در مبارزات توده ای و اعتصابات بطور رزمنده شرکت میکردند مثلاً دستگیرشدگان را از چنگ پلیس رها میکردند و با پلیس درگیر میشدند؛ از لحاظ تجهیزات نظامی، کوکتل مولوتف و سلاحهای خانگی دیگر داشتند؛ مثلاً یکی از عملیاتی که در این دوره انجام شد، سوزاندن شهرداری ناحیه «سن مارتین دوپوروس» در لیما با استفاده از



رزمندگان ارتش چریکی خلق در دره «هوالاگای علیا»

برخی میگفتند هنوز جنگ خلق با نیروهای نظامی اصلی دولت یعنی نیروهای ارتش روبرو نشده و آنان را مغلوب نساخته، بنابراین کسب مناطق پایگاهی زودرس است. اما حزب کمونیست پرو بدرستی شرایط خاص را مورد توجه قرار داد و هر جا که خلاء قدرت سیاسی بوجود آمده بود قدرت سیاسی کارگران و دهقانان را برپا کرد. دسته های چریک خلق با نیروهای پلیس جنگیده، آنان را شکست داد. حتی روزنامه های ارتجاعی نیز از شکست فضاخت بار پلیس صحبت میکردند. مضافاً حزب توده های دهقان را برای زمین در نقاط مختلف استان آياکوچو بسیج کرده، آتوریته ها کهن را تضعیف نموده و نتیجتاً در روستا خلاء قدرت سیاسی بوجود آمده بود. از این رو حزب کمونیست پرو «نقشه بزرگ برای کسب مناطق پایگاهی» را تصویب کرد. استراتژی سیاسی این نقشه، ترسیم دو جمهوری، دو راه و دو قطب در مقابل هم بود: جمهوری سرخ (جمهوری کارگران، دهقانان و نیروهای مترقی) در برابر جمهوری ارتجاع که توسط ملاکین و بورژوازی بزرگ تحت سلطه امپریالیسم است؛ راه جنگ خلق در برابر راه انتخابات؛ و قطب حزبی که توده ها را رهبری میکند در برابر قطب نیروهای مسلح ارتجاع.

بعلاوه، حزب تصمیم گرفت «ارتش چریکی خلق» را بسازد. چراکه در دسامبر ۱۹۸۲ با بوجود آمدن دورنمای قدرت سیاسی نوین، بلونده عدم تمایل خود به استفاده از ارتش را کنار گذاشته، تصمیم گرفت که سرباز بمیدان بفرستد. تا آن زمان جنگ خلق

خلق، این نقشه مدت زمان طولانیتر و کارزارهای بیشتری را شامل میشد. (۳) نقشه رشد با يك نقشه ابتدائی برای گشودن مناطق چریکی آغاز میشد - مناطق مورد مشاخره ای که ارتش چریکی خلق و دشمن بر سر آن رقابت میکنند. اولین کارزار در این نقشه ابتدائی عبارت بود از «کارزار بدست آوردن اسلحه و مهمات». حمله به پاسگاه های پلیس - مثلاً به پاسگاه لوریکوچا در استان هوآنتا از استان آياکوچو - جزء مهم این کارزار بود. این حمله توسط تکه چوبهائی که بشکل تفنگ تراشیده شده بود، انجام شد. چریکها با سلاحهای چوبی خود پلیس را غافلگیر و خلع سلاح کردند و سلاحهای واقعی بدست آوردند. کارزار مذکور، نیروی مسلح انقلابی را قادر ساخت که از منطقه عمده جنگ خلق بسوی منطقه مرکزی کشور گسترش بیابد. در همان زمان عملیات مهمی نیز در پایتخت انجام میشد. در «نقشه رشد» اولین کمیته های خلقی - بطور مخفی - ساخته شد و بدین ترتیب قدرت سیاسی نوین متولد گشت. از اینجا به بعد، نقشه عبارت بود از کسب مناطق پایگاهی.

۳- کارزار به يك مجموعه عملیات متنوع - ساده و پیچیده، کوچک و بزرگ - اطلاق میشود که برای تحقق اهداف خاص تحت استراتژی سیاسی و نظامی معین، در جریان جنگ به اجراء در می آید. پروسه پیشبرد جنگ خلق، با کارزارهای متعدد و پی در پی مشخص میشود و نتایج هر کارزار در پیشروی و تکامل کل پروسه موثر می افتد. در ترجمه فارسی آثار نظامی مائوتسه دون بجای واژه کارزار از عبارت «عملیات اپراتیو» استفاده شده است.

حمایت توده های محلی برخوردار بود. البته این به معنی حمایت توده های وسیع نبود، ولی برای شروع کافی بود. بنابراین حزب قادر گشت در مقابل حملات دشمن ایستادگی کند. اتکاء مداوم به توده ها باعث میشد که چتر حفاظتی آنها بر حزب گسترده شود. اوائل کار دشواریها فراوان بود؛ مثلاً وقتی دسته های چریکی برای جوله و باز کردن يك منطقه جدید میرفتند مجبور بودند در غارها بخوابند چون هنوز نفوذ کافی جهت استفاده از امکانات اهالی محل نداشتند. رفقای مائوئیست پرونی برای جذب توده های دهقان در مناطقی که نفوذشان ناچیز بود چنین عمل میکردند: آنها در روستا مستقر میشدند، جلسه ای عمومی را فرامیخواندند، برنامه حزب را برای اهالی توضیح می دادند و البته به دشمنان بدنام خلق ضربه میزدند. بطور نمونه مالکان ارضی و مستبدین محلی که مورد نفرت توده های فقیر روستائی قرار داشتند را مجازات کرده، خانه شان را سوزانده و دهقانان را در امر باز پس گرفتن زمینهایشان رهبری میکردند. دسته های چریکی بهنگام عقب نشینی از روستا به توده ها یادآور میشدند که دشمن مسلماً تلافی خواهد کرد، پس باید هر چه را که مصادره کرده اند پنهان کنند و کاملاً مراقب اوضاع و خطرات محتمل باشند. بدین ترتیب حزب رفته رفته حمایت توده های وسیع را کسب کرد.

رشد

سپس نوبت به «نقشه رشد» رسید. وظیفه این نقشه گسترده عبارت بود از رشد جنگ

پایبانی

فقط توسط دسته های چریکی به پیش برده میشد. ورود ارتش ارتجاع به صحنه، سازماندهی ارتش چریکی خلق را الزام آور ساخت. از نقطه نظر دید استراتژیک نیز اینکار ضروری بود؛ زیرا پیروزی انقلاب بر اثر بلعیده شدن ارتش ارتجاع توسط ارتش انقلاب حاصل میشود. در سال ۱۹۸۳، ارتش چریکی خلق از ادغام دسته های چریکی و میلیشیا بوجود آمد. این ارتش سه نیرو را شامل گشت: نیروی عمده، نیروهای محلی و نیروهای پایه ای. فرق این سه نیرو در شعاع منطقه عملیاتی و کیفیت عملیاتی است که انجام میدهند. اما هر سه نیرو در عملیاتها بطور هماهنگ شرکت کرده و هر کدام نقش خود را ایفاء میکنند. در همان دوره، حزب کمونیست پرو با دیدگاه های راست روانه ای مواجه شد که مخالف ادغام میلیشیا (تشکل توده ای چریکهای نیمه وقت) در ارتش چریکی بوده و در اینکار خطر نابودی میلیشیا را میدیدند. حزب با این نظرات که مبین عدم اعتماد به توده ها، پربها دادن به نیروهای نظامی ارتجاع و اسیر ترس شدن بود، مبارزه کرد.

سوم یا «جنگ خلق را گسترش دهید» که از ژوئیه تا نوامبر ۱۹۸۵ به درازا کشید عبارت بود از ضربه زدن به حکومت جدید. از نظر نظامی این بمعنای عمومیت بخشیدن به جنگ در سراسر کشور بود؛ این هدف نیز برآورده شد. کارزار چهارم دو بخش داشت. بخش اول عبارت بود از «جهش بزرگ را به نتیجه برسانید» که از دسامبر ۸۵ تا آوریل ۱۹۸۶ ادامه یافت. هدف خاص این نقشه عبارت بود از تضعیف رژیم جدید که متحقق شد. بخش دوم، «جهش بزرگ را با مهر طلائی پایان بخشید» نام گرفت. در این کارزار، ارتش چریکی خلق دهکده های استراتژیک ساخته دست دشمن را داغان کرد. کمین گذاری در این کارزار بسیار برجسته بود و مقرهای پلیس بسیاری مورد حمله واقع شدند. در همین دوره بود که قتل عام زندانیان جنگی صورت گرفت.

هرچند زندانیان از نظر نظامی در موقعیتی بس ضعیفتر از دشمن قرار داشتند، اما قهرمانانه جنگیدند. حزب میدانست که این قتل عام صورت خواهد گرفت بنابراین باید آماده رویارویی با این برخورد میشد و بهترین

ارتش چریکی خلق، سربازان آگاه فراوانی دارد و این امر برای پیروزی بر دشمن تعیین کننده است؛ چرا که سرنوشت جنگ را انسان تعیین میکند. اما این ارتش از نظر تجهیزات بسیار عقب تر از ارتش دشمن بوده و سربازانش به اندازه کافی تعلیم ندیده اند. حزب کمونیست پرو چگونه میخواهد با این مشکل مقابله کند؟ همانطور که لنین و مائو خاطر نشان ساخته اند سلاحهای مورد نیاز ما را دشمن در انبارهای خود نگهداری میکنند پس ارتش چریکی خلق باید سلاحها و تجهیزات مدرن را مصادره کرده و در عین افزودن بر کمیت خود، کیفیتش را هم ارتقاء دهد.

حزب کمونیست پرو عمیقا معتقد است که حزب، ارتش چریکی خلق و توده های خلق بدون پیشبرد مبارزه درونی علیه ایده ها و گرایشات راست روانه و نادرست نمیتوانند مستحکم شوند و امکان فساد آنها از درون وجود خواهد داشت. پیشرویهای جنگ خلق تماما در جریان مبارزه با اشکالاتی انجام میشود که در اردوی خلق ظاهر میگردد. مثلا هنگامیکه جنگ انقلابی نیازمند پیشروی جسورانه بوده و امکان اینکار بدلیل فعالیت نیروی آگاه و تشدید بحران دشمن فراهم آمده، فرارطلبی در اردوی انقلاب بشکل عقب نشینی مداوم و سرباز زدن از پیشروی بروز میکنند. در عین حال باید با پیشروی بی رویه که شکل پیشروی مداوم بدون عقب نشینی بخود میگیرد نیز مقابله نمود.

«نقشه بزرگ برای کسب مناطق پایگاهی»
نقشه های محدودتر دیگری را هم دربر میگرفت؛ از آن جمله بود «نقشه جهش بزرگ» که دو سال طول کشید. این نقشه در آستانه يك مرحله انتخاباتی و در نتیجه رشد مشکلات و اختلافات مرتجعین طراحی شد؛ چرا که جنگ خلق در بحبوحه مشکلات اردوی ضدانقلاب میتوانست سریع و بی محابا پیشروی کند و تمام شعاع عملیاتی ارتش چریکی خلق - یعنی کل رشته کوههای پرو - را بپوشاند. «نقشه جهش بزرگ» چهار کارزار را در برمیگرفت: هدف از کارزار اول که «جهش بزرگ را بیآغازید» نام داشت، کسب فضای سیاسی بود. این کارزار در ماههای مه تا دسامبر ۸۴ متحقق شد. کارزار دوم یا «جهش بزرگ را کامل کنید»، وظیفه خاص تضعیف انتخابات ریاست جمهوری سال ۱۹۸۵ را داشت. هدف کارزار

درك واصل شدند. هیچکس تسلیم نشد. در زندان لوریگانچو نیز نبرد قهرمانانه ای با سلاحهای بسیار ابتدائی جریان یافت. در لوریگانچو موقعیت زندانیان جنگی از ال فرونتون شکننده تر بود؛ بطور مثال زندان سقف شیشه ای داشت، دیوارهایش باز بود و جایی برای حفر سوراخ نداشت. بنابراین رفقای زندانی نتوانستند به اندازه ال فرونتون سنگر خود را حفظ کنند. همه آنها کشته شدند. در لوریگانچو نیز هیچکس تسلیم نشد. در زندان زنان کالائو وضع بهمین ترتیب بود. مسئولیت سرکوب آن زندان را نیروی هوایی پرو بعهده گرفت. سه تن از زندانیان جنگی کشته شدند و بقیه بشدت مورد ضرب و شتم قرار گرفتند. یکی از رفقای زن کور شد. شورش زندانیان جنگی، حکومت گارسیا را در مقابل تمام جهان به مثابه قاتل معرفی کرد و نقاب دموکراسی، ملی و خلقیش را درید. از آنزمان، بحران سیاسی جدی حکومت «آپرا» - بحرانی که هرگز از آن بیرون نیامد - آغاز شد و شدت یافت.

«جهش بزرگ» موفق شد تمام شعاع عملیاتی تعیین شده - از پونو گرفته تا کاخامارکا و تمام منطقه مرکزی کشور را زیر پوشش قرار دهد. فعالیت ارتش چریکی خلق از سرچشمه رودخانه ها تا سواحل گسترش یافت. نقشه «مناطق پایگاهی کسب کنید» در هدف خود موفق شد و یکرشته مناطق پایگاهی، مناطق چریکی، مناطق عملیاتی و نقاط عملیاتی بوجود آمد. (*)

يك منطقه پایگاهی توسط مناطق چریکی محصور شده که این مناطق چریکی خود توسط مناطق عملیاتی محصور گشته اند. نقاط عملیاتی معمولا در شهرها بوده و ارتش چریکی خلق در آنجا عملیات میکند؛ ولی قدرت سیاسی نوین برقرار نمیکند؛ به عبارت دیگر اینها نقاطی است که دشمن تحت کنترل دارد. منطقه پایگاهی جایی است که حزب قدرت سیاسی دارد؛ در آنجا مجموعه ای از کمیته های خلق وجود دارد که تحت رهبری حزب است. منطقه پایگاهی جایی است که در آن، دیکتاتوری کارگران، دهقانان و نیروهای مترقی برقرار شده است. در اطراف مناطق پایگاهی مناطق چریکی قرار دارد. اینها مناطقی است که در آن هر دو طرف فعالیت میکنند. در آنجا گاهی دشمن مستقر است و برخی اوقات ارتش چریکی خلق؛ بعبارت دیگر اینها مناطق مورد مشاجره اند. مناطق چریکی بنوبه خود توسط مناطق عملیاتی محصور شده اند - مناطقی که ارتش چریکی خلق در آن جوله میدهد، به دشمن هجوم میبرد و عقب میکشد. مناطق عملیاتی تحت کنترل دشمن قرار دارد، اما ارتش چریکی خلق قادر است در آنجا عملیات کرده و گشت و گذار کند. نقاط عملیاتی آنجایی است که تحت کنترل کامل دشمن میباشد. در این نقاط، دسته های ارتش چریکی خلق ضربه زده، سریع عقب کشیده یا پنهان میشوند.

شرایط ممکن را بوجود میآورد. اول تدارک ایدئولوژیک و سیاسی انجام شد و همه زندانیان عمیقا درك کردند که پای دفاع از انقلاب و ارزشها و حیثیت طبقه کارگر در میان است و هدف طرح قتل عام شکستن و مغلوب کردن کمونیستهاست. وقتی تدارک ایدئولوژیک و سیاسی به انجام رسید تمام زندانیان در مقابل پرچم سرخ عهد کردند که با جان خود از طبقه و انقلاب دفاع کنند. آنان دست به تدارک نظامی زدند؛ مقدار کمی دینامیت به دست آورده، فلاخن و نیزه خانگی ساخته و کیسه های سنگ برای پرتاب کردن آماده کردند. نیروی دریائی برای نابود کردن ال فرونتون سلاحهای سنگین خود را به میدان آورد. زندانیان جنگی يك سلاح نیمه اتوماتیک را از چنك یکی از گاردها بدر آوردند. در این چنك ۶ افسر و چند کماندو نیروی دریائی بدست زندانیان قهرمان به



بچه های زاغه نشین در لیما

رساند. بعلاوه حزب بر ضرورت گسترش فعالیت و سازماندهی در لیما - پایتخت پرو - تاکید میگذارد.

همه اینها نشان از افق روشن و نزدیک پیروزی عظیم جنگ خلق دارد. این حقیقت را از سراسیمگی و درماندگی حکام ارتجاعی پرو و طرحهای پیشگیرانه اربابان امپریالیستشان هم میتوان فهمید. یانکیها دقیقا بخاطر هراس از واقعه ای که نه فقط پرو بلکه کل آمریکای لاتین را بلرزه درخواهد آورد، تصمیم به مداخله مستقیم در پرو گرفته اند. هم اکنون بخش مهمی از عملیات ضد چریکی ارتش پرو را مستشاران و فرماندهان آمریکایی رهبری میکنند و ایالات متحده کمکهای نظامی سالانه خود به این کشور را از رقم ناچیز ۱۵ هزار دلار به ۳۵ میلیون دلار رسانده است. اما بعقیده طراحان کاخ سفید و پنتاگون این کمکها کفایت نکرده و مداخله ای مستقیم و گسترده - توسط ارتش آمریکا یا کشوری ثالث - ضروری است. البته دخالت نظامی آمریکا در پرو، پیشاپیش از سال ۱۹۸۳ با بمباران یکی از شهرهای استان «آیاکوچو» و جلگه های «هوالاگای علیا» آغاز گشته است. در ماه های ژوئیه و اوت ۱۹۸۹ نیز قوای نظامی آمریکا و ارتش پرو بدنبال حمله ارتش چریکی خلق به پایگاه ایالات متحده در استان «مادره میا» در صدد انتقام برآمده و ۱۵۰۰ نفر را در «هوالاگا» را قتل عام کردند. اینک رسانه های گروهی خبر از تدارک یانکیها برای مقابله با جنگ خلق در سطحی بالاتر میدهند. ارتش آمریکا برای کنترل منطقه مرکزی پرو، پایگاهی را در «سانتا لویسا» بنا کرده است. قصد از اینکار بمیدان آوردن سریع هلیکوپترها و بهبود واکنش و تحرک قوای ضربت آنهاست. مثلا از این پایگاه نامبرده میتوان سریعا به «آیاکوچو» نیرو فرستاد.

مسلمها حزب کمونیست پرو برای مقابله با تجاوز نظامی آمریکا، کارزار مشخصی را بقیه در صفحه ۱۹

جنگ چریکی پرداخته، اما نمیتواند در این دوره در جا بزند. جنگ خلق می باید به دوره تعادل استراتژیک گذر کند و ارتش چریکی خلق در پی آن است که این کار را از طریق ارتقاء جنگ چریکی به جنگ متحرک عملی سازد. (۴) طبق ارزیابی حزب کمونیست پرو برای پیشبرد پیروزمندانه «نقشه رشد استراتژیک» باید به شهرهای کوهستانی در استانهای «آیاکوچو»، «هوانکاولیکا» و «هوانکاپو» توجه بیشتری معطوف داشت و اقدامات تدارکاتی معینی را جهت قیام و تسخیر شهرها در خدمت کسب سراسری قدرت سیاسی بانجام

نبرددها و کارزارها در جریان جنگ متحرک از لحاظ تاکتیکی خصلت تعرضی و زود فرجام خواهد داشت - هرچند از لحاظ استراتژیک همچنان در چارچوب دفاع استراتژیک میگنجد. این جنگی است که طی آن، ارتش منظم انقلابی عملیات زودفرجام را در خطوط خارجی، در جریان کارزارها و نبردها - در جبهه ها و صحنه های عملیاتی وسیع - به پیش می برد. مائوتسه دون در مقاله «درباره جنگ طولانی» پیرامون جایگاه جنگ متحرک چنین مینویسد: «... وقتی میگوئیم در سراسر جنگ، جنگ متحرک عمده است و جنگ چریکی کمکی است، منظور اینست که فرجام جنگ بطور عمده وابسته به جنگ منظم و بخصوص شکل متحرک آن است؛ و جنگ چریکی نمیتواند در تعیین فرجام جنگ مسئولیت عمده را بعهده داشته باشد... نقش استراتژیک جنگ چریکی در کل جنگ... فقط نسبت به جنگ متحرک کمتر است؛ زیرا پیروزی بر دشمن بدون کمک جنگ چریکی ممکن نیست. با این حرف، ما وظیفه استراتژیک خود در تکامل جنگ چریکی به جنگ متحرک را مدنظر داریم. در جریان جنگ طولانی و سخت، جنگ چریکی بصورت اولیه خود باقی نمیماند، بلکه بسطج جنگ متحرک ارتقاء می یابد. بدین ترتیب جنگ چریکی دارای نقش استراتژیک دوگانه است: کمک به جنگ منظم و تکامل خود به جنگ منظم.»

چهارمین نقشه، «نقشه بزرگ برای گسترش مناطق پایگاهی» نام گرفت که از دسامبر ۸۶ آغاز شد و تا مه ۸۹ ادامه یافت. این نقشه مرتبط بود با رشد قدرت سیاسی نوین. حزب بعنوان بخشی از این نقشه، فراخوان جهشی بزرگ در جلب توده ها برای شرکت در جنگ خلق را صادر نمود. از آنجا که هدف دست یابی به جهشی کیفی در جنگ خلق و گذر به مرحله تعادل استراتژیک بود، نقشه فوق الذکر ابتدائا بمشابه يك نقشه آزمایشی ارائه شد که سه کارزار داشت: کارزار اول که «نقشه آزمایشی برای گسترش مناطق پایگاهی» نام داشت از دسامبر ۱۹۸۶ تا مه ۱۹۸۷ بطول انجامید. مناطق پایگاهی خصوصا در استان آیاکوچو، و همچنین در مرکز کشور و در جلگه هوالاگا گسترش یافت. عنوان کارزار دوم چنین بود: «برقراری يك سنک بنای تاریخی را به اوجی شکوهمند برسانید!» برگزاری کنگره اول حزب کمونیست پرو که نقطه مهمی در ساختمان ایدئولوژیک، سیاسی و تشکیلاتی محسوب میشود، یکی از قرارهای «نقشه بزرگ برای رشد مناطق پایگاهی» بود که در این دوره به اجراء درآمد. این امر نشان میداد که کارزارهای جنگ خلق علاوه بر عملیات نظامی و نابود کردن دولت کهن، وظیفه ساختمان حزب، ارتش چریکی خلق، قدرت سیاسی نوین را هم در دستور کار دارد.

در بخش دوم از سومین کارزار، حزب جمعیندی کرد که صحت نقشه آزمایشی در عمل به اثبات رسیده است. بر مبنای همین جمعیندی، حزب نقشه مسجلی را تحت استراتژی سیاسی «رشد مناطق پایگاهی بقصد کسب قدرت سیاسی» در پیش گرفت. استراتژی نظامی نقشه مذکور عبارت بود از رشد جنگ متحرک در چارچوب راه محاصره شهرها از طریق دهات و رشد جنگ در شهر و روستا بمشابه يك کل واحد - با توجه به اینکه روستا عمده است و شهر مکمل. سپس «نقشه بزرگ گسترش مناطق پایگاهی برای کسب قدرت» با هدف ثبات نسبی بخشیدن به مناطق پایگاهی آغاز گشت. اولین کارزار این نقشه از ماه اوت ۱۹۸۹ تا ژانویه ۱۹۹۰ ادامه داشت. دستاورد عمده این کارزار عبارت بود از برقراری تعداد زیادی کمیته های خلقی علنی؛ یعنی کمیته هایی که از قبل موجود بودند دیگر علنی شدند. با تحقق این امر، ثبات نسبی مناطق پایگاهی بنمایش درآمده است.

با توجه به این سطح از گسترش و تکامل جنگ خلق، و اوضاع کلی اردوی انقلاب و ضد انقلاب، اینک حزب کمونیست پرو «نقشه رشد استراتژیک» و گسترش جنگ خلق در سراسر کشور را در دستور کار خود قرار داده است. این نقشه ای است منطبق بر آموزه های مائو در زمینه چگونگی تکامل جنگ و گذر از مرحله ای به مرحله دیگر. همانطور که مائو میگوید، جنگ چریکی لزوما باید به جنگ متحرک و جنگ منظم تکامل پیدا کند والا نمی توان قدرت را کسب کرد. هرچند جنگ خلق در پرو مشخصا در دوره دفاع استراتژیک به گسترش

جنگ خلق و وظیفه نابود کردن کهنه

جنگ خلق در پرو برای نابودی ذره ذره دشمن و درهم شکستن نهادهای نظم کهن را میتوان به چهار شکل مبارزاتی تجزیه کرد: تبلیغ و ترویج، خرابکاری، اعدام انقلابی شخصیتها و آتوریتها و ارتجاعی، و عملیات چریکی شامل کمین و حمله. البته يك شکل دیگر مبارزاتی نیز از سال ۱۹۸۸ ظهور یافته که «اعتصاب مسلحانه» نام دارد.

تبلیغ و ترویج

این یکی از چهار شکل مبارزاتی در جنگ خلق است و نباید به آن بطور مجرد نگاه کرد. منظور از ترویج، اشاعه ایده هائی است که هدف را نشان می دهد. منظور از تبلیغ، استفاده از مسائل مشخصی است که توده ها حولش بمبارزه بر می خیزند. فعالیت تبلیغی و ترویجی حزب کمونیست پرو در مرکز خود، ضرورت کسب سراسری قدرت را اشاعه می دهد. بقول لنین، ترویج هرگز به هرز نمیرود؛ مهم این نیست که فاصله میان بذر افشانی و برداشت محصول چقدر طولانی باشد. با تبلیغ و ترویج می توان به عمق رفت و به پائینترین قشر توده ها دست یافت - به همانها که درصد عظیم شان خواندن و نوشتن نمی دانند. حزب کمونیست پرو از این اصل پیروی میکند که باید ایده های انقلابی را به مکان اصلی خود، یعنی بدست خلق رساند. حزب در فعالیت تبلیغی و ترویجی خود اشاعه ۳ ایده معین را مدنظر دارد؛ اینکه جنگ انقلابی يك ضرورت است؛ اینکه جنگ برای دستیابی به اهداف سیاسی و در راس آن کسب قدرت سیاسی است؛ و اینکه باید بر یگانه ایدئولوژی رهائیبخش - ایدئولوژی پرولتاریا - اتکاء نمود. بدین طریق، تبلیغ و ترویج به ذهن تحتانی ترین توده های پرو عمیقاً راه می یابد و ذهنشان را فعال می سازد؛ آنها ایده های انقلابی را جذب میکنند. حزب کمونیست پرو معتقد است که پیشبرد عملیات - عملیات مسلحانه ای که با هدف بسیج توده ها صورت میگیرد - بهترین مدرسه ای است که در آن می توان خلق را با ایدئولوژی پرولتاریا، خط سیاسی حزب و ضرورت جنگ خلق برای کسب قدرت آموزش داد. حزب اهمیت عظیم اینکار را در خلق افکار عمومی و فتح افکار میدان؛ یعنی در ایجاد روحیه دگرگونسازی در میان توده ها.

کارزارهای تبلیغی و ترویجی حزب کمونیست پرو از حیث وسعت و عظمت در تاریخ معاصر این کشور بیسابقه بوده است. این امر نشان میدهد که حزب رهنمود مائوتسه دون مبنی بر ضرورت فتح افکار عمومی برای دستیابی به قدرت سیاسی را عمیقاً درک کرده است. روشن کردن آتشفهای عظیم داس و چکش در کوه که شهرت جهانی یافته بخشی از این فعالیت است. در زمینه انتشاراتی نیز تبلیغ و ترویج بطور گسترده به پیش میرود. برای مثال در سال ۱۹۸۲، حزب کمونیست پرو ۲۰۰۰۰۰ نسخه از جزوه «جنگ چریکی را توسعه دهید» را چاپ و توزیع نمود. در سال ۱۹۸۸، دوست هزار نسخه از برنامه حزب پخش شد و این جدا از پخش مصاحبه صدر حزب از طریق مطبوعات علنی بود. حزب ۳۰۰۰۰ از نسخه رسمی مصاحبه را چاپ کرد. ال دیاریو که مصاحبه را چاپ کرده بود در سه نوبت ۱۰۰۰۰۰ نسخه بیرون آمد. پوسترهای زیبای مائوتسه دون بشکل افست یا چاپ سیلک - با شعار «هیچ چیز در این جهان سخت نیست اگر جرات صعود به قله ها را داشته باشی» - بخش لاینفک تبلیغات حزب است. تجدید چاپ آثار کلاسیک مارکسیستی به زبان اسپانیایی و همچنین به زبانهای مختلف برای استفاده کمونیستهای جهان از کارهای تبلیغ و ترویج حزب است. در این زمینه اخیراً منتخبی بنام «لنین علیه رویزیونیسم» جهت استفاده علیه تعرض ارتجاعی نوین رویزیونیسم از سوی حزب چاپ شده است. این جزوه را نخستین بار حزب کمونیست چین در دوران مائو منتشر ساخته بود. حزب همچنین کارزار تبلیغاتی مصوری را برای دستیابی به تحتانی ترین اقشار جامعه - مشخصاً دهقانان فقیر - سازمان داده است. حتی مرتجعین پرو اعتراف کرده اند که اینها آثاری بسیار هنرمندانه است. شخصیتهای عمده و قهرمانان این آثار همان مردمی هستند که این اوراق تبلیغی خطاب به آنان تهیه گشته؛ تصاویر بسیار گویا میباشند. یکی از اوراق تبلیغی معروف،

جنگ خلق: نابود کردن ساختن نو

طرحی درباره انتخابات سال ۱۹۸۵ است. در يك طرف که با رنگ سرخ مشخص شده شعار «مناطق پایگاهی بدست آورید» و «پیش بسوی برقراری حکومت کارگران، دهقانان و نیروهای مترقی» بچشم میخورد، و در طرف دیگر - طرف تاریک - کاندیداهای انتخابات - ایستاده بر پشته ای از جسد و مردم گرسنه. این طرح از یکسو نشان میدهد که رای دادن چیزی بجز قتل عام و گرسنگی بیشتر ببار خواهد آورد؛ و از سوی دیگر میگوید که گسترش جنگ خلق بقدرت سیاسی کارگران، دهقانان و نیروهای مترقی منتهی خواهد شد. مفهوم این طرح برای دهقانان بسیار روشن است، چرا که منطبق بر تجربه خودشان است. بنابراین مخاطبان کار تبلیغی حزب، تحتانی ترین اقشار توده ها هستند - هیچ حزب دیگری در پرو هرگز چنین نکرده است. بعلاوه، حزب به تبلیغ حول خواسته های روزمره کارگران مانند افزایش دستمزد و کم کردن ساعات کار و مشکلات حاشیه نشینان و غیره نیز میپردازد و همیشه این مسائل را به مسئله قدرت سیاسی مربوط میسازد.

سسابوتاز یا خرابکاری

این شکل جنگی لطمات زیادی به اقتصاد پرو، به امپریالیسم، به بنگاههای امپریالیستی و به سرمایه داری بوروکراتیک وارد میآورد. ضربه زدن به اقتصاد بحران زده و داغان پرو نقش مهمی در تضعیف دشمن بازی میکند. نتایج خرابکاری - خاصه در بخش معدن - درازمدت است زیرا درصد بالائی از ارز خارجی از این بخش تامین میشود. این ضربه ای مستقیم بر دولت پرو است چرا که بخش دولتی اقتصاد - بطور نمونه «شرکت معدن مرکزی» - را نشانه میگیرد. بدین ترتیب عملیات خرابکاری، دولت را به دردمر انداخته، نقشه های ورشکسته کورپوراتیویستی و اقدامات باصطلاح اجتماعیش را بهم میزند. این عملیات کارائی قوای مسلح دشمن را هم تضعیف میکند. در این زمینه، خرابکاری در خطوط برق رسانی اهمیت بسیار دارد. آخرین نمونه اینکار، به خاموشی در ۹ استان انجامید که از دورترین نقطه شمالی یعنی «لالیبرتاد» تا دورترین نقطه جنوبی یعنی «ایکا»، استانهای «لیما»، «خونین»، «پاسکو»، «هوانوکو» و «هوانکاولیکا» را هم در برمیگرفت؛ این یعنی قلب سیستم اقتصادی و مرکز عصبی سیستم اداری ارتجاع. خاموشیها مشکلات بزرگ و فزاینده ای را برای دشمن ایجاد میکند. بنا به گزارش روزنامه پروئی «ال کو مرسو» بعد از آخرین عملیات انفجار دکلهای برق، ده روز طول کشید تا برق لیما بحالت اول برگردد. خاموشیها نه فقط به ادارات دولتی و بخش کامپیوتری شده بانکها ضربه میزند، بلکه صنعت را هم بطور کلی با معضلات جدی مواجه میسازد. موسسات نفتی و معادن - متعلق به بورژوازی بزرگ - از حکومت تقاضا کرده اند که بر شمار نیروهای مسلح و پلیس مستقر در مراکز صنعتی بیفزاید. باید تاکید کنیم که این نوع عملیات، تاثیر زیادی بر توده ها میگذارد؛ آنها علت هر

گره‌ها،



خاموشی را میدانند و میبینند که چگونه دولت پرو با اولویت قائل شدن برای نیازهای بورژوازی بزرگ و نادیده گرفتن نیازهای خلق، خصلت طبقاتی خود را نمایان میسازد.

اعدام انقلابی شخصیتها و آتوریتته های ارتجاعی

این نوع عملیات که در حال افزایش است، مقامات نهادهای گوناگون ارتجاعی را آماج قرار میدهد. از این طریق عملکرد دستگاه دولتی فلج شده یا بطور کلی مختل میشود. ارتجاع حاکم و همدستان رویزیونیستشان در کارزار تبلیغی خود علیه جنگ خلق درباره «کشتار وحشیانه شهرداران انتخابی مردم» زوزه سر میدهند. آنها میکوشند این بقیه در صفحه ۱۲

جنگ خلق

حقیقت را پنهان سازند که انتخابات يك ابزار يك سیستم ارتجاعی یعنی دمکراسی بورژوازی است. آنها در پی اشاعه این توهم هستند که فقط در جایی دیکتاتوری وجود دارد که خبری از انتخابات نباشد. درست برای ضربه زدن به نهادهای رنگارنگ این نظام است که ارتش چریکی خلق، عملیات مشخص اعدام انقلابی نمایندگان دیکتاتوری طبقاتی حاکم را به پیش میبرد. شهرداران، فرمانداران، مقامات بوروکرات موسسات دولتی و احزاب ضد انقلابی، همگی اجزاء همین سیستم دولتی و همین ساختار ارتجاعی هستند. بعلاوه، یکی از مشکلات پیشروی دولت پرو اینست که بواسطه زیربنای نیمه فئودالی موجود، آتوریته دولتی هیچگاه به مناطق دور افتاده کشور دست نیافته است. ارتجاع حاکم همواره مراکز یعنی شهرها را پایگاه خود قرار داده و قدرت خویش را به شهرهای میانی و در مواردی به شهرهای کوچکتر نیز گسترش میدهد، اما بخشها، قصبات، دهات و دهات کوچک وری نفوذ دولت بوده و تحت کنترل مداوم دولتی نیستند. بنابراین با اعدام انقلابی مقامات میتوان در بسیاری نقاط، زمین را زیر پای ارتجاع خالی کرد، نظم دولتی را مختل نمود و خلاء قدرت بوجود آورد. خلاء قدرت بسود جنگ خلق است و امکان برقراری قدرت سیاسی نوین را برای حزب کمونیست پرو بوجود میآورد.

عملیات چریکی

دوشکل اصلی این عملیات عبارتند از حمله و کمین. این حملات در سال ۱۹۸۲ با ضربه زدن به پاسگاههای دورافتاده پلیس در روستاها شروع شد. در سال ۱۹۸۳ وقتی نیروهای مسلح وارد روستا شدند ارتش چریکی خلق شروع به کمین گذاری کرد. بمرور عملیات حمله و کمین پیچیده تر شد، بر شمار آنها افزوده گشت و دشمن را مستاصل نمود؛ بطوریکه مثلاً در جلگه «هوالاگای علیا» نیروهای مسلح ارتجاع به سبب وحشت از کمینها، تحرك زمینی نداشتند. کمین گذاری فقط توسط نیروهای اصلی ارتش چریکی خلق انجام نمیشود، بلکه نیروهای پایه ای - یا میلیشیا - نیز با مین کمین می گذارند. عملیات حمله برای نابود کردن اولین پایگاه «جنگ ضد خرابکاری» ارتش که در استان «مادره میا» از منطقه هوالاگای علیا ساخته شده بود، جهشی در عملیات ارتش چریکی محسوب میشود. این اولین پایگاه ضد چریکی بود که ارتش چریکی آن را نابود کرد. از ۲۵۰ سرباز این پایگاه نیمی فراری، ۴۰ تن کشته و ۸۰ تن زخمی شدند. این نبرد چهار ساعت به طول انجامید. این عملیاتی قهرمانانه بود بخصوص بدان علت که نقشه آن از قبل توسط يك عامل نفوذی برای دشمن فاش شده بود. حمله انجام شد و جاسوس دشمن نیز به سزای اعمال خود رسید.

کمین گذاری در شهرها نیز انجام میشود. در دسامبر ۱۹۸۹، برای سرویس اطلاعات ارتش کمین گذارده شد؛ در سال ۱۹۹۰، يك شاخه از نیروهای مسلح در لیما - متعلق به گارد جمهوری - در کمین افتاد که یازده نفرشان کشته و بقیه زخمی شدند. این بخشی مشخص از گارد جمهوری بود که از خطوط برق رسانی محافظت می کنند. دسته آنها متشکل از ۵۰ نفر مجهز به تفنگهای نیمه اتوماتیک TAL بود که با يك اتوبوس به گشت زنی میپرداختند. ارتش چریکی خلق هیچ تلفاتی نداشت. این عملیاتی قهرمانانه که همیشه با تجهیزات ابتدائی انجام میشود نشان میدهد که ارتش ارتجاع با تفنگهای اتوماتیک، دوربین ها و سایر تجهیزاتش در مقابل ابتکار عمل، هشیاری و قاطعیت خلق هیچ است. توده ها میبینند که اگر جرات کنند، با بررسی دقیق شرایط و محیط و با خلاقیت بخرج دادن میتوانند دشمن مجهز را حتی درون درهای بظاهر مستحکم این چنین بسخره بگیرند. آنها بار دیگر حقیقت این آموزه مائوتسه دون را بعینه میبینند که: انسان تعیین کننده است؛ هرچند اسلحه هم لازم است. حزب کمونیست پرو عمیقاً معتقد است که کلید مسئله آماده کردن اذهان است. اگر اذهان به ایدئولوژی و سیاست انقلابی مسلح شوند، دستها نیز مسلح میشوند و از این طریق است که مقدار زیادی سلاح مدرن نیز مصادره می گردد.

دشمن با ساختن پایگاه های ضد خرابکاری در قلب مناطق چریکی شرایط بسیار خوبی برای حملات نوین ارتش چریکی خلق بوجود

آورده است. بطور نمونه، در هفتم آوریل ۱۹۹۰، حمله ای علیه پایگاه آمریکا در «سانتالیوسا» - درست دو ماه بعد افتتاحش - صورت گرفت که در جریان آن ۷ هلیکوپتر از کار افتاد. با ساختن این پایگاهها نیروهای دشمن با پای خود وارد سرزمینی میشوند که متعلق به آنها نیست. آنها در این مناطق نه پایه اجتماعی دارند و نه اراده و ابزار جنگیدن در این میدان. دهقانان که اکثریت توده های این مناطق را تشکیل میدهند، متحد بسیار نزدیک و وفادار طبقه کارگر و حزب آن یعنی حزب کمونیست پرو میباشند.

اعتصاب مسلحانه

این شکل جدیدی از مبارزه است. در اینجا هر چهار شکل اصلی مبارزه بکار گرفته می شود. اعتصابهای مسلحانه بسیار مهمند چراکه توان قدرت سیاسی نوین را معکوس میکنند و موجب میشوند که مردم دولت کهن را زیر سؤال برده و نفی کنند. توده ها بیچارگی دولت کهن را لمس میکنند؛ بالاخص وقتی که دشمن می داند قرار است اعتصاب اتفاق بیفتد و نمی تواند جلویش را بگیرد. در اعتصابهای مسلحانه، تبلیغ و ترویج بطور گسترده و متنوع صورت می گیرد. برخی هدفها - مثلاً حمل و نقل - برای تعطیل شدن انتخاب می شوند و برای اینکار ابزار لازم بکار گرفته می شود. آماج این عملیات عمدتاً حمل و نقل دولتی است. مینی بوسهای خصوصی که عمدتاً به بورژوازی ملی و خرده بورژوازی تعلق دارد آماج حمله نیستند، اما در صورت شکستن اعتصاب تنبیه میشوند - فقط برای اینکه درسی بیاموزند! برای فهم ابعاد تاثیر گذاری این اعتصابات مسلحانه همینقدر بگوئیم که با وقوع آن در مرکز کشور - در منطقه ای که سه استان «خونین»، «پاسکو» و «هوانوگو» را در برمیگیرد - میتوان پایتخت را ایزوله ساخت و حتی بمحاصره انداخت.

اعتصابات مسلحانه در مبارزه علیه رویزیونیسم هم بکار می آیند؛ چون بدین طریق آشکار میشود که فقط حزب کمونیست پرو حامی منافع پرولتاریا، دهقانان، خرده بورژوازی و بطور کلی خلق است. اعتصابات مسلحانه طولانی نیست، چرا که يك اعتصاب عمومی نامحدود با شرایط کنونی جنگ خلق وفق نمی دهد.

دولت منفور و مستاصل پرو میکوشد از طریق کشتار با اعتصابات مسلحانه مقابله کند. در آخرین اعتصابات مسلحانه، در دوره انتخابات ریاست جمهوری و در مرکز کشور، اجساد مردم را در خیابانها رها کرده بودند تا بقیه مرعوب شوند. ردالت ارتجاع را حدی نیست؛ در اعتصاب مسلحانه لیما در سوم نوامبر ۱۹۸۹، دشمن به تلافی يك عملیات ارتش چریکی خلق (منفجر کردن يك گشتی پلیس در یکی از زاغه های لیما بنام کانتوگراند)، با هلیکوپتر جنگی بر فراز محله به پرواز درآمد و آنجا را ساعتها زیر آتش مسلسل گرفت. در آخرین اعتصاب مسلحانه لیما در ۲۸ مارس ۱۹۹۰، یازده نفر کشته شدند. با این اوصاف نه تنها این شکل مبارزه متوقف نشده بلکه از لحاظ کمیت افزایش یافته و مرتباً جهش کیفی می کند. همانطور که مائوتسه دون میگوید «خون، انقلاب را خفه نمی کند؛ بلکه انقلاب را تغذیه می کند.»

جنگ خلق و وظیفه ساختن نو

ساختمان حزب

حزب کمونیست پرو برای پیشبرد این وظیفه نقطه شروع را اصول طرح شده توسط مائوتسه دون قرار میدهد؛ بدین معنی که ساختمان حزب باید عمدتاً از نظر ایدئولوژیک و همزمان در حیطه تشکیلاتی، و در جریان مبارزه دو خط و مبارزه طبقاتی انجام شود. خط ایدئولوژیک - سیاسی صحیح تعیین کننده همه چیز است ولی بقول رفیق استالین، خط به تنهایی کافی نیست و باید از طریق ساختارهای تشکیلاتی شکل مشخص بخود بگیرد. حزب کمونیست پرو معتقد است که برای انقلاب دموکراتیک «سه سلاح معجزه آسا» - حزب، ارتش، جبهه متحد

«راه درخشان» از نگاه دشمن

اخیرا يك جزوه تحقیقاتی در مورد حزب کمونیست پرو و جنگ خلق تحت رهبری، توسط موسسه تحقیقات دفاع ملی «رنس» و به سفارش وزارت کشور ایالات متحده انتشار یافته که حاوی اعترافات جالبی از زبان دشمن در مورد قدرت انقلاب پرولتری و ضعف فزاینده ارتجاع و امپریالیسم است. در اینجا بنقل گوشه هایی از این جزوه میپردازیم.

«راه درخشان» اثبات کرده که سازمانی با قابلیت ترمیم فوری است. این سازمان اگرچه در جریان هر کارزار حکومت ضایعاتی را متحمل میشود، اما تا زمانیکه ساختار تشکیلاتی لطمه ندیده، رهبری مرکزیش سالم مانده و پایه روستایش را همچنان حفظ کرده باشد، قادر است افرادی را جایگزین سازد.

بدترین سناریو این است که «راه درخشان» میتواند پیروز شود. هرچند این مسئله حتی تا سال ۱۹۸۷ بسختی قابل تصور بود اما اینك يك احتمال منطقی بحساب می آید. علت این امر هم توان ادامه حیات و عملکرد «راه درخشان» است و هم عجز دائمی حکومت پرو در برداشتن گامهای جدی علیه وضعیت طفیانی. بهر طریق، «راه درخشان» نیروی خواهد بود که باید در آینده نزدیک با آن دست و پنجه نرم کرد. این مسئله هیچ راه حل ساده یا سریعی نخواهد داشت. این جنبش در مناطق کوهستانی ریشه های محکمی دوانده و هم اینك درون لیما و گرداگرد آن حضوری دائمی یافته است. رشد «راه درخشان» سریع نیست اما پایدار است. در حال حاضر این سازمان از يك پایگاه حمایتی مستحکم در مناطق روستائی سود میبرد و فعالانه به سر باز گیری از میان نیروی کار در شهرها و توده بیکاران شهری که سریعا بر شمارشان افزوده میشود، مشغول است. بعلاوه «راه درخشان» اثبات کرده که سازمانی با قابلیت ترمیم سریع، انطباق پذیر و بیرحم است. مجموعه این صفات میزیه از «راه درخشان» يك دشمن دهشتناک ساخته است.

RAND

حزب، برخوردار صحیح به مبارزه دو خط است؛ زیرا مبارزه دو خط در خدمت وحدت حزب قرار داشته و از این طریق است که خط پرولتری غالب می شود. حزب بر اهمیت انتقاد و انتقاد از خود - عمدتا انتقاد از خود - تاکید میگذارد، چرا که لیبرالیسم میتواند از داخل حزب را پوسانده و منحط سازد. فلسفه مبارزاتی حزب خلاف جریان رفتن و ارجحیت دادن اصول بر کمیت است. حزب کمونیست پرو مبارزه ای بی امان را علیه ایده ها، رفتار، نظرات و مواضع راست روانه به پیش میبرد و مبارزه علیه رویزیونیسم را عمده میداند.

ساختمان ارتش چریکی خلق

ارتش چریکی خلق ارتشی طراز نوین است که عمدتا از دهقانان فقیر تشکیل شده و کارگران، توده های فقیر شهری و خرده بورژوازی هم در آن شرکت دارند. خصلت طراز نوین این ارتش در سه وظیفه ای که انجام می دهد تبلور می یابد. وظیفه نخست و عمده ارتش چریکی خلق جنگیدن است. وظیفه دوم بسیج، تعلیم سیاسی، سازماندهی و مسلح کردن توده هاست. وظیفه سوم تولید است که برای تامین ارتش و بمنظور آنکه باری پر دوش توده ها نباشد، انجام میپذیرد.

ساختمان سیاسی - ایدئولوژیک ارتش چریکی خلق بر پایه خط ایدئولوژیک - سیاسی و برنامه حزب، و تئوری جنگ خلق شکل گرفته و تکامل می یابد که این تضمین کننده رهبری حزب بر تفنک است. ساختمان نظامی این ارتش بر پایه خط نظامی پرولتری و خط نظامی حزب، و در جریان جنگ خلق انجام میگیرد. در این پروسه بر بالا بردن بقیه در صفحه ۱۴

خلق - ضروری است. حزب کمونیست پرو مبارزه حادی را علیه ایده های رویزیونیستی و تئوریهای ضدمارکسیستی جنبش چریکی آمریکای لاتین که ضرورت حزب را نفی کرده و با تکیه به جبهه می خواهند انقلاب کنند، به پیش برده است.

حزب کلیدی ترین تشکیلات انقلاب است و ارتش و دولت نوین را رهبری میکند. پایه وحدت حزب کمونیست پرو بطور عموم مارکسیسم - لنینیسم - مائوئیسم و اندیشه گونزالو بعنوان بکاربست علم جهانشمول به شرایط پرو، خط سیاسی عمومی حزب و برنامه اش که شامل هدف دراز مدت کمونیسم در جهان و برنامه مشخص انقلاب دموکراتیک در پرو است، میباشد. حزب کمونیست پرو عمیقا معتقد است که برای استحکام پایه وحدت، حزب باید متکی بر يك مبارزه دو خط صحیح باشد. وظیفه مرکزی حزب شروع و رهبری جنگ خلق و کسب قدرت سیاسی است. يك رهبری صحیح برای جلوگیری از انحراف انقلاب از مسیر خود ضروری است. در حزب کمونیست پرو این رهبری بطور فشرده توسط صدر حزب، رفیق گونزالو، نمایندگی میشود. این حزب معتقد است که احزاب کمونیست باید «میلتاریزه» شوند و تغییراتی را از سر بگذرانند که بتوانند جنگ خلق را شروع کنند؛ بیان سازمانی میلتاریزاسیون ساختمان متحد المرکز است - حزب محور بوده و ارتش انقلابی حول آن ساخته میشود؛ و بالاخره جبهه و دولت نوین حول این دو برپا میشوند. حزب اعضاء خود را در ۶ عرصه تعلیم می دهد:

اول، در عرصه ایدئولوژیک بر مبنای مارکسیسم - لنینیسم - مائوئیسم.

دوم، در سطح سیاسی بر مبنای برنامه حزب و خط عمومی سیاسی که مرکز خط نظامی است؛ کادرها در رابطه با نقشه های حزب نیز آموزش ایدئولوژیک - سیاسی میبینند.

سوم، در عرصه تشکیلاتی بر مبنای سانترالیسم دموکراتیک. اساس این است که هر سطح تابع سطح بالاتر از خود است و بنابراین يك خط واحد رهبری وجود دارد. دموکراسی در زمینه طرح نظرات پایه های حزب اعمال میشود. این نظرات بنوبه خود بسطوح بالاتر و نهایتا به کمیته مرکزی می رسد. در دوران جنگ سانترالیسم عمده است. در زمینه تشکیلات، حزب اعضایش را با «پنج الزام» تعلیم میدهد: ۱ - سانترالیسم دموکراتیک ۲ - مخفی کاری ۳ - راز داری بخصوص درباره اسرار نظامی ۴ - هوشیاری برای مقابله با نفوذ دشمن ۵ - انضباط که به معنی تابعیت فرد از حزب است. در این میان، سانترالیسم دموکراتیک عمده است.

چهارم، در عرصه کار توده ای که اساسا بر مبنای دو اصل عمده «توده ها سازندگان تاریخند» و «شورش بر حق است» انجام میشود. اینکار در بجهوه جنگ خلق و برای خدمت به آن پیش میرود. در کار توده ای، ما بین طبقات گوناگون و اقشار بالایی و پائینی توده ها فرق گذاشته شده و مبارزات روزمره با مبارزه برای قدرت سیاسی پیوند می یابد. با پیشرفت جنگ خلق، کار توده ای نیز جهشهای کمی و کیفی کرده و برای اولین بار توده ها عملا به اعمال قدرت می پردازند.

پنجم، در عرصه درک از مقوله رهبری. رهبری کلید همه چیز است؛ زیرا رهبری است که مبارزه را در مسیر درست نگاه می دارد. این پرولتاریا و انقلاب پرو است که رهبر انقلاب یعنی حزب کمونیست پرو و صدر آن را بمنصه ظهور رسانده است. در رابطه با درک اهمیت رهبری، نقطه شروع حزب این است که جنگ ضد انقلابی چند اصل دارد و یکی از اصولش از بین بردن رهبری انقلاب و جدا انداختن رزمندگان ارتش چریکی خلق از توده هاست. هدف عمده مترجمین از میان بردن رهبری است؛ بنابراین همه اعضاء حزب کمونیست پرو سوگند خورده اند که با نثار جان از رهبری حزب و صدر آن دفاع کنند. رهبری حزب و جایگاه رهبری صدر آن، نه بسادگی بلکه در طول زمان و در پروسه مبارزه برسمیت شناخته شد. رفیق گونزالو در کنفرانس وسیع حزب در سال ۱۹۷۹، رهبر انقلاب پرو شناخته شد. رهبری حزب بر طبق اصل رهبری جمعی و مسئولیت فردی عمل میکند.

ششم، در عرصه مبارزه دو خط. حزب يك تضاد است و این واقعیت بشکل مبارزه دو خط در حزب تبلور می یابد. کلید مبارزه درون

جنگ خلق

درجه شجاعت که با اعتقاد به ایدئولوژی قدرتمند م - ل - م و شکست ناپذیری جنگ خلق رابطه مستقیم دارد، تاکید میشود. ساختمان ارتش چریکی خلق نیز در بحبوحه مبارزه دو خط - بالانحص مبارزه بین خط نظامی پرولتری و خط نظامی بورژوائی - به پیش میرود. خط نظامی پرولتری - در تقابل با خط نظامی بورژوائی که بر تفنگ تاکید دارد - انسان را عمده می داند، هر چند لزوم اسلحه را نیز مد نظر دارد. ساختمان نظامی شامل تعلیمات و بالا بردن مهارت هم هست. در این مورد، هدف بالا بردن روحیه جنگندگی و درجه تخصص در استفاده از سلاح هاست؛ اما فراموش نمیشود که در نکته مرکزی در اینکار - حتی در تیراندازی صحیح - نفرت طبقاتی است. افراد ارتش چریکی خلق هنر رهبری کردن را نیز می آموزند. بدون شك فرمانده خوب کسی است که مطلقاً به صحت راهش معتقد بوده و مرگ را تحقیر میکند.

ساختمان قدرت سیاسی نوین

دولت نوین، دیکتاتوری مشترک کارگران، دهقانان و نیروهای مترقی است که منافع بورژوازی متوسط یا بورژوازی ملی را هم در نظر میگیرد. سیستم حکومتی آن متشکل از مجمع عمومی های خلق و کمیته های خلق میباشد. پروسه ایجاد قدرت نوین سیاسی از همان آغاز جنگ خلق شروع گشته است. در ذهن هر عضو حزب، هر عضو ارتش چریکی خلق، این ایده عمیقاً جای گرفته که وظیفه مرکزی انقلاب، کسب قدرت سیاسی است. بگفته رفیق گونزالو «ما از همان اول، قدرت سیاسی را در کوله پشتی هایمان حمل میکردیم.» قدرت نوین - همانند جنگ خلق - در ابتدا ضعیف بود اما ذره ذره رشد کرد. کمیته های توزیع، نطفه های این قدرت محسوب میشود. در سالهای آغازین جنگ وقتی ارتش چریکی خلق توده های دهقان را در امر مصادره املاک فئودالها رهبری میکردند و موضوع تقسیم زمین پیش می آمد، کمیته توزیع درست میشد که اعضایش را دهقانان انتخاب میکردند.

بعدها در سال ۱۹۸۲ با رشد جنگ خلق، بسیج توده ها، شکست عملیات پلیس و بوجود آمدن خلاء قدرت، اولین کمیته های خلق متولد گشت. ویژگی اوضاع این بود که بدون درگیریهای سنگین با ارتش ارتجاع، خلاء قدرت سیاسی شکل گرفت. حزب از فرصت استفاده کرده و با ایجاد قدرت سیاسی نوین جای آنرا پر کرد. نیروهای ارتش چریکی خلق در نقاط گوناگون کمیته های سازمانده قدرت نوین را بوجود میآوردند. این پاسخی بود به اوضاع خاص مناطقی که در آنجا ملاکین و آتوریته های کهن از ترس گسترش شعله های جنگ خلق فرار را بر قرار ترجیح داده و این امر به خلاء قدرت منجر شده بود؛ اما حزب هنوز نیروهای کافی برای برقراری کمیته های خلق در آن منطقه نداشت - قدرت سیاسی نوین باید برای دفاع از خود صاحب ارتش بوده و بسیج گسترده توده ها را پشتوانه خود داشته باشد. اما از سوی دیگر خلاء قدرت را نمیشد بحال خود گذاشت تا دشمن دوباره آنرا پر کند. تحت این شرایط کمیته های سازمانده قدرت سیاسی نوین تشکیل شد تا اینکه پیشرفت کار، امکان تشکیل کمیته های خلق را بدهد - این سیاستی است که همچنان ادامه دارد.

شکل دیگر قدرت نوین، «کمیته بازسازی کمیته های خلق» نام دارد. این کمیته در نقاطی درست میشود که قبلاً کمیته خلق وجود داشته و با حمله دشمن از بین رفته است؛ اما توده ها هنوز حضور دارند و خواهان احیاء کمیته خلق میباشند.

در نقاط تحت اشغال، یعنی جایی که دشمن توانسته از طریق قهر، قدرت سیاسی خود را مجدداً برقرار کند، «قدرت موازی» برقرار میشود. در این نقاط، قدرت ارتجاعی فی الواقع يك حکومت دست نشانده است چرا که توده ها از قدرت نوین حمایت و از فرامینش تبعیت میکنند. بعبارت دیگر، قدرت نوین به توازی قدرت کهن وجود دارد.

شکل چهارم، کمیته های زیرزمینی خلق است. کمیته های خلق ه مسئول دارد؛ دبیر، کاردار امنیت، کاردار امور محل، کاردار تشکلات توده ای و بالاخره کاردار تولید و اقتصاد. این کارداران یا مسئولین، مخفی هستند و کارهایشان را از طریق کمیسیونها و نمایندگانی که از میان اهالی انتخاب میکنند به پیش میبرند.

شکل پنجم کمیته های خلقی علنی است؛ در اینجا دیگر کارداران مخفی نیستند، همه آنان را میشناسند و پرچمهای سرخشان در روشنائی روز در اهتزاز است.

دبیر کمیته نماینده حزب و پرولتاریا درون کمیته خلق است. کاردار امنیت، مسئول دفاع از دولت نوین است. او نگرهبانی را سازمان میدهد، وظایف ارتش چریکی خلق را برنامه ریزی میکند و همچنین مسئولیت کارهایی را دارد که میتوان گفت در قلمرو وظایف انتظامات و پلیس است. بعبارت دیگر، نظم عمومی و اتخاذ اقدامات علیه کسانی که به قدرت نوین یا به توده ها حمله میکنند، بعهده اوست.

کاردار تولید و اقتصاد، مسئول سازمان دادن کاشت و برداشت جمعی است. او همچنین باید کار روی زمین بیوه ها، پیران و یتیمان را سازمان دهد. او مسئول سازمان دادن تجارت، مبادله محصولات و بازارهای محلی نیز هست. دولت نوین خود نیز به تولید میپردازد. بعنوان مثال گله داری و مرغداری کمونی وجود دارد که از خوک گرفته تا مرغ و اردک پرورش میدهد و مالک آن کمیته خلق است.

کاردار امور محلی، مسئول اجرای عدالت است. کمیسیون خسارات که عضویت در آن نوبتی است تحت نظر او سازماندهی میشود. کار این کمیسیون بدین ترتیب است که مثلاً اگر گاو دهقانی وارد مزرعه دیگری شد و محصولات او را لگد کرد، برای بار اول از طرف کمیسیون به دهقان هشدار میدهند؛ اگر اینکار تکرار شد گاو توقیف میگردد؛ و بار سوم گاو کشتار شده و گوشت آن بین اهالی و بر طبق نیاز تقسیم میشود.

مسئولیت ازدواج و طلاق نیز بعهده کاردار امور محلی است. وقتی دو نفر مایلند با هم ازدواج کنند کافی است دو نفر شهادت دهند هیچک از اینها متاهل نیستند. البته باید از نظر سلامتی هم آزمایش شوند - اینکار توسط خدمات بهداشتی که توسط کمیته خلق سازمان یافته انجام میشود. حکم طلاق نیز بمحض درخواست هر کدام از طرفین صادر میشود. در رابطه با بچه ها آن دو باید به توافق برسند، اما به زن حق تصمیم گیری در مورد نگهداری از بچه ها داده میشود. اگر زن تصمیم بدین کار گرفته، پدر نیز باید در تامین فرزندان شریک شود. اختلافات بین زن و شوهر و یا بین پدر و مادر با فرزندان از طریق انتقاد انتقاد از خود حل میشود. اگر مشکلی بین زن و شوهر بوجود آید کاردار را خبر کرده، با او صحبت میکنند و موضوع بدین ترتیب حل و فصل میشود. اگر زنی خواهان پیوستن به ارتش چریکی خلق باشد، مخالفت خانواده یا شوهرش اهمیتی ندارد. او خواست خود را عملی میسازد و کمیته خلق نگهداری از بچه هایش را بعهده میگیرد - البته این حق برای پدر محفوظ است، اما اگر نخواست کمیته خلق مسئله را حل خواهد کرد.

کمیته خلق از طریق کاردار امور محلی خدمات بهداشتی را نیز سازمان میدهد. این کارداران مسئول ثبت احوال و مسئول بهداشت مردم هستند. داروخانه ها با داروهای مصادره شده و داروهای گیاهی تامین میشوند. آموزش و پرورش هم جزء مسئولیتهای همین کاردار است. این امر تحت هدایت خط ایدئولوژیک - سیاسی حزب و در ارتباط با کار یدی پیش میرود. درس عبارتند از حساب (چهار عمل اصلی)؛ زبان - به توده ها اسپانیائی تدریس میشود چراکه بدین ترتیب میتوانند بخشی از باقی جهان شوند؛ علوم طبیعی (بر پایه ماتریالیسم دیالکتیک)؛ و علوم اجتماعی (با بکارگیری ماتریالیسم تاریخی). کاردار امور محلی همچنین مسئول سازمان دادن هنر و تفریح است؛ منجمله ورزش، تئاتر، نمایش عروسکی؛ همچنین ترتیب دادن مهمانی و جشن بمناسبت روزهای حزبی، روزهای ارتش چریکی خلق و قدرت نوین سیاسی و غیره.

کاردار تشکلات توده ای، مسئول سازمانهای تحت رهبری حزب است. او موضوع بحث و تاریخ جلسات را معین میکند و کارهای مشابهی را در این حیطه به پیش میبرد.

تمام کارداران انتخابی هستند بنابراین ممکن است تعویض شوند. حزب کمونیست پرو به توده ها می آموزد که باید طرفدار قدرت پرولتاریا و خلق بود و نه قدرت شخصی. اگر کارداران قدرت شخصی خود را اعمال کنند برکنار میشوند و اگر تقصیراتشان جدی باشد، تسلیم دادگاه خلق میشوند. اگر جنایاتی علیه حزب مرتکب شده

«راه درخشان» از نگاه دشمن

در دهه ۱۹۸۰ تلاشهای متعددی برای ختم شورش از طریق مذاکره بعمل آمد. اولین فراخوان پیشبرد بحث با «راه درخشان» را حکومت «بلونده» در سال ۱۹۸۲ صادر نمود. اینکار توسط گارسیا در ۱۹۸۵ یعنی نخستین سال بقدرت رسیدنش و نیز در سال ۱۹۸۶ تکرار شد. همه این تلاشها با بی اعتنائی روبرو گشت. با این وجود، گونزالو قول داد که درگیری با يك توافقنامه خاتمه خواهد یافت، اما فقط زمانی که رژیم پرو آماده امضاء اسناد تسلیم خود باشد. او گفت: «شما فقط آنچه که در میدان نبرد تعیین شده را بر سر میز توافقات امضاء خواهید کرد. هرگونه گفتگویی پیش از آن دوره، نه فقط زودرس که عوامفریبی پیش پا افتاده ای بقصد تضعیف اهداف انقلابی ماست.» از نظر گونزالو، پرو به «دوره ای از تخاصم تمام عیار ایدئولوژیک پا نهاده است. کسانی که نماینده دگرگونی هستند، حتی بر حسب اتفاق و اقبال هم فریب نمایندگان وضع موجود و واپس گرایی را نخواهند خورد و با آنها سازش نخواهند کرد. يك شکاف عمیق تاریخی این دو را از هم جدا ساخته است. اینان بزبانهای مختلف حرف میزنند و درک مشترکی از تاریخ ندارند.»

این سخنان گونزالو نه فقط حکومت کنونی بلکه «ابلهان پارلمان نشین» و «رویزونیستهای» چپ قانونی را هم در برمیگیرد. به تعبیر گونزالو، همه اینها «مانند دوقلوهای سیامی - بهم چسبیده - هستند. بنابراین با یکدیگر راه گورستان را در پیش خواهند گرفت.»

مصافهائی که در نتیجه خیزشهای دهه ۱۹۶۰ مطرح گشت در برابر مشکلاتی که «راه درخشان» ایجاد کرده، رنگ میبازد. جنبشهای چریکی در دهه ۱۹۶۰، کوچک و از لحاظ سازماندهی ضعیف بوده، و از آموزه های سطحی پیروی میکردند. کارزارهایی که علیه آنان به پیش برده شده، کوتاه مدت بود و کم و کسر نداشت. پیشبرد این کارزارها نیاز ناچیزی به اختصاص نهادهای ویژه داشت - یا اصلا نداشت. اما درست بر عکس آن جنبشها، «راه درخشان» از يك پایه بحد کافی گسترده حمایت توده ای سود برده، در سطح سراسری بخوبی سازمان یافته و صاحب نقشه ای روشن جهت بسط دامنه نفوذ خود و غلبه بر حکومت پرو است.

باشند این حزب است که در موردشان تصمیم میگیرد؛ و اگر علیه توده ها باشد، خود توده ها تصمیم میگیرند. تحت کمیته های خلق، محاکم خلقی و قوانین اساسی وجود دارد. مردم حق دفاع از خود و شهادت دادن و شاهد آوردن دارند. کمیته خلق دادستان خود را دارد و توده ها در محکمه به اتهامات و دفاعیات گوش میدهند و تصمیم میگیرند.

در سال ۱۹۸۳ وقتی حزب قرار استقرار مناطق پایگاهی را صادر کرد سیستمی از کمیته های خلق برپا شد. جمع کمیته های خلق در يك منطقه معین يك منطقه پایگاهی را میسازد. در سال ۸۳ کمیته سازمانده جمهوری دموکراتیک نوین خلق تشکیل شد و امروزه با رشد قدرت دولتی نوین، حزب کمونیست پرو کارزاری را برای مقاصد زیر طراحی کرده است: اول، توده گیر کردن واقعیت قدرت نوین خلق. دوم، جلب حمایت برای نیازهای قدرت نوین؛ چرا که قدرت نوین برای رشد خود و برای تقویت مناسبات تولیدی نوین به همه - از دکتر گرفته تا مهندس و معلم و غیره - نیاز دارد. سوم، جلب افکار عمومی ملی و بین المللی. کمونیستهای پرو فعالانه به تبلیغ این واقعیت میپردازند که پرچم درخشان قدرت نوین سیاسی در روستا به اهتزاز درآمده است. آنها به مردم فراخوان پیوستن به مناطق پایگاهی و حمایت از قدرت نوین را میدهند. اینکار از طریق تبلیغ و ترویج گسترده و عمدتاً شفاهی در میان توده ها در محلات، زاغه ها، دانشگاهها و کارخانه ها به پیش برده میشود. قدرت نوین باید رشد و تکامل یابد. حزب کمونیست پرو برای این امر نیز اصول و راهنمای عمل خود را تعیین کرده است: اساس، گسترش قدرت نوین است و راهنمای عمل، ساختن کمیته های علنی خلق.

برای اینکه درجه ثبات مناطق پایگاهی درک شود همان بس که بگوئیم هنگام انتخابات، دولت کهن نتوانست به هیچکدام از مناطق پایگاهی پا نهد. اما شك نیست که دشمن بالاخره به این مناطق و به کمیته های علنی خلق حمله خواهد کرد. حسزب و ارتش چریکی خلق و قدرت سیاسی نوین از نظر سیاسی و ایدئولوژیک برای مقابله با چنین حمله ای آماده اند و مسلماً از نظر نظامی نیز آماده خواهند بود. ساختمان حزب، ارتش چریکی و قدرت نوین بر پایه تدارک سیاسی - ایدئولوژیک بوده و تربیت کادرها - رهبران - فرماندهان - سربازان، مصادره سلاح و تجهیزات، و افزودن بر شمار کمیته های خلق و غیره را نیز شامل میشود. تقسیم اراضی در مناطق پایگاهی و دگرگون ساختن مناسبات تولیدی بخشی مهم از ساختن مناطق پایگاهی است.

به پیروی از آموزه های مائوتسه دوں در مورد دموکراسی نوین، در مناطق پایگاهی سیاست نوین برقرار شده است. بعلاوه برای برقراری يك اقتصاد نوین از طریق استقرار مناسبات تولیدی نوین مبارزه میشود. در این مناطق، مناسبات نیمه فئودالی نابود شده و زمین در میان دهقانان فقیر به ترتیب زیر تقسیم میشود: زمین در درجه اول به کسانی تعلق میگیرد که هیچ زمینی ندارند، به افراد کم زمین نیز مقداری داده میشود. البته تولید یعنی کاشت و برداشت بصورت جمعی انجام میشود. دولت نوین هنوز وارد مرحله اعطای مالکیت فردی نشده و افراد زمین را صرفاً تصاحب میکنند. فرق تصاحب با مالکیت در اینست که آنها حق معامله اراضی را ندارند. نکته مهم اینجاست که با تقسیم زمین سیستم لاتیفونڈیا یا مالکیت زراعی فئودالی و تمرکز بالای زمین دست يك مالک بهم میخورد. مالکیت شرکتی «انجمن کشاورزی منافع اجتماعی یا SAIS» که در دهه ۱۹۶۰ بعنوان یکی از اشکال «کلکتیو» وابسته به دولت توسط رژیم نظامی ساخته شد و تعاونی های کشاورزی نیز نابود میشود. این تعاونیها و انجمن ها در عمل مانند مالکان ارضی عمل کرده، مناسبات تولیدی فئودالی را برقرار ساخته و بدین طریق فئودالیسم را به اشکال متفاوت زنده نگه میدارند. با نابودی چنین نظامی است که مناسبات تولیدی نوین برقرار میشود، فرهنگی نوین خلق میگردد و توده ها با جهان بینی علمی تربیت میشوند.

توده ها تحت رهبری ارتش چریکی خلق فعالانه در هجوم به املاک شرکت میجویند. مثلاً يك ملك فئودالی را در نظر بگیرید که دور تا دورش را سیم خاردار گرفته و مزدوران مسلح از آن محافظت میکنند. بخشی از ارتش چریکی مفرهای این مزرعه را میگیرد و ملاکین و مستبدین فئودال را زندانی میکند؛ توده ها نیز سیمهای خاردار را

نابود کرده، زمین را مصادره نموده و اگر محصول آماده باشد آن را برداشت میکنند. سپس مجمع عمومی ده تشکیل میشود و توده ها از رنجهای خود سخن میگویند. آنها تمام جنایات فئودالها را محکوم کرده و مالکان ارضی جنایتکار را به مجازات میرسانند. زمین سرانه تقسیم میشود و اگر لازم باشد برای تامین خودکفائی منطقه پایگاهی نوع کشت نیز عوض میشود. اکنون مناسبات تولیدی نوین در روستا در حال تکوین است، البته برنامه حزب کمونیست پرو برای انقلاب دموکراتیک شامل نابود کردن سرمایه بوروکراتیک - خصوصی و دولتی - نیز میباشد. به گفته مائو، مصادره سرمایه بوروکرات در گذر لاینقطع از انقلاب دموکراتیک به انقلاب سوسیالیستی کلیدی است.

در بسیاری از کشورهای تحت سلطه امپریالیسم پایتختها به نسبت اقتصاد ملی باد کرده و پرو نیز چنین است. چگونگی حل این مسئله در امر ساختمان جامعه نوین از اهمیت بسیار برخوردار میباشد. دولت نوین و جامعه نوین مسلماً نیروهای مولده موجود را لازم خواهد داشت، اما نمیتواند بشکل حاضر آنها را مورد استفاده قرار دهد. در این زمینه حزب کمونیست پرو تجارب منفی را مورد ملاحظه قرار داده و به سیاست ناسیونالیستهای کامبوج برهبری «پول پت» در سالهای بقدرت رسیدنشان بعنوان يك تجربه منفی مینگرد؛ چرا که راه حل کمونیستی با اینگونه روشها خوانائی ندارد. کمونیستها به توده ها و به ایدئولوژی توانای خود اعتماد راسخ داشته و معتقدند با فتح افکار توده ها میتوان آنان را در انجام کاری که نیازهای قدرت نوین را برآورده کند رهبری کرد. همانگونه که با فتح افکار توده ها میتوان قدرت سیاسی را کسب کرد، برای معضلات دیگر نیز میتوان راه حلی صحیح یافت. زمانی که این اصل برقرار باشد، در عمل و گام به گام راه حلها را میتوان یافت. ●



تظاهرات توده ای در لیما

حزب کمونیست پرو

و مشی توده‌ای

حزب کمونیست پرو در رابطه با اعمال مشی توده ای در خدمت به استراتژی جنگ خلق، از دو اصل پایه ای پیروی میکند: یکم اینکه، «توده ها سازندگان تاریخند» و تئوری «افراد نابغه»، یا «شخصیتهای تاریخساز» یک تئوری بورژوازی است. دوم اینکه، «شورش بر حق است». اما دستیابی حزب به یک نگرش و روش صحیح از مشی توده ای، یکشبه حاصل نشده بلکه خود حاصل مبارزه ایدئولوژیک - سیاسی نظری و پراتیکی معین علیه خطوط و گرایشات بورژوازی در این زمینه بوده است.

از سال ۱۹۳۰، یعنی از زمان مرگ «خوزه کارلوس ماریاتگی» بنیانگذار حزب کمونیست پرو، فعالیت انتخاباتی به محور کار توده ای این حزب بدل گشت. سپس کودتای «اودریا» در دهه ۱۹۴۰ فرارسید و با پیگرد و سرکوب کمونیستها و توده های طرفدارشان، فعالیت پارلمانی موضوعیت خود را از دست داد. البته کمونیستهای اصیل همچنان در صحنه فعالیت غیرقانونی و مخفی حضور داشتند و مبارزه برای پیشبرد خط پرولتری را ادامه میدادند. در سالهای ظهور و غلبه رویزیونیسم مدرن بر حزب تحت رهبری «دل پرادو»، یعنی در آغاز دهه ۱۹۶۰، سیاست حمایت از کاندیداهای انتخاباتی دوباره برقرار گشته بود. اما بعد از سال ۱۹۶۴ که جناح انقلابی موفق شد رویزیونیستها را در پروسه بازسازی حزب اخراج نماید، سیاست کار توده ای بطور کلی مورد بازبینی قرار گرفت. در جریان آن بازبینی، کمیته منطقه ای آیاکوچو که تحت رهبری رفیق گونزالو - صدر کنونی حزب - قرار داشت سیاست کار در میان دهقانان فقیر، توده های کارگر و توده های فقیر زاغه نشین ها، و نیز روشنفکران و جوانان را مطرح ساخت.

از سال ۱۹۷۳ تا ۱۹۷۶، مبارزه با انحلال طلبان چپ درون حزب جریان داشت. آنها با اعتقاد به اینکه فاشیسم همه چیز را داغان خواهد کرده، حزب را از پیوند با توده ها برحذر داشته میخواستند بخود مشغولش سازند. در بحبوحه این مبارزه، حزب تصمیم گرفت دست به ایجاد تشکلات توده ای بزند - تشکلاتی که نقطه اتکاء حزب برای برقراری پیوند با توده ها باشد. حزب کمونیست پرو از گفته های مارکس الهام گرفت و «سازماندهی علمی فقر»، یعنی سیاست سازماندهی فقیرترین ها توسط مارکسیسم - لنینیسم - مائوئیسم را به پیش گذاشت. مفهوم بحث فوق آن بود که فقیرترین ها برای طغیان کردن

از همه آماده ترند. بر مبنای این سیاست، تشکلات گوناگونی ایجاد شد که یکی از آنها «جنبش آگاه کارگران و زحمتکشان (MOTC)» نام گرفت. ۱۵ تن پایه ای که بعنوان زیربنای این اقدام بتصویب رسید، منتخبی از نظرات مارکس، لنین و مائوتسه دون در مورد اهداف پرولتاریا، ضرورت حزب و ارتش انقلابی، و برخی آثار مارکس درباره مزد و بها و سود، ساعات کار، اعتصاب و مفهوم اتحادیه کارگری، و بالاخره آثاری در ضرورت مبارزه با رویزیونیسم بود. «جنبش آگاه کارگران و زحمتکشان» در رابطه با مبارزات روزمره، ۳ خواسته مرکزی را مطرح نمود: افزایش مزد، کاهش ساعات روز کار و بهبود شرایط کار.

در زمینه کار با توده های دهقان، حزب اقدام به تشکیل «جنبش دهقانان فقیر (MPP)» کرد و اعلام نمود: «موتور مبارزه طبقاتی در روستا، مسئله زمین است. زمین باید توسط نیروی مسلح بدست آید و از آن محافظت شود. این امر ضرورتاً باید به برقراری قدرت سیاسی نوین بیانجامد». در رابطه با کار توده ای در روستا سیاست «سه همراهی» بدین

ترتیب فرموله شد: «همراه دهقانان فقیر زندگی کنید، همراه آنان مبارزه کنید و همراه آنان کار کنید».

تشکلات توده ای دیگری که حزب کمونیست پرو از سال ۱۹۷۶ تا به امروز تشکیل داده، شامل «جنبش آگاه زانگه نشینها (MCB)»، «جنبش خلقی زنان (MFP)»، «جنبش خلقی روشنفکران (MIP)» و «جنبش خلقی جوانان (MJP)» میباشد. اخیراً نیز «جنبش انقلابی در دفاع از خلق (MRDP)» بعنوان شکلی از جبهه متحد خلق در شهر، به ابتکار حزب کمونیست پرو تشکیل شده است. این تشکل بعنوان یکی از مراکز مقاومت شناخته شده و برهبری مبارزات توده ای میپردازد. هر یک از این تشکلات با محکم کردن رشته های پیوند میان پیشاهنگ پرولتری با توده های وسیع تحت ستم در جریان مبارزات روزمره و بر مبنای سیاست «مقاومت و مبارزه» در برابر تفرضات نظام حاکم به حیات و معیشت خلق، جنگ خلق را توانمندتر ساخته و رزمندگان جدیدی را برای پیشبرد نبرد شناسائی و بسیج نماید.

حزب کمونیست پرو از همان زمان تدارک

آمار عملیات انجام شده در چارچوب نقشه ها و کارزارها طی نه سال جنگ خلق

مرحله آغاز:

۱- نقشه برای آغاز (ماه مه تا دسامبر ۸۰)
آغاز مبارزه مسلحانه (ماه مه تا جولای ۸۰)
پیشبرد جنگ چریکی (ماه جولای تا دسامبر ۸۰)
جمع: ۲۸۰
۱۰۶۲
۱۳۴۲

مرحله رشد:

II- نقشه برای باز کردن چتر خود (ژانویه ۸۱ تا ژانویه ۸۳)
گشایش مناطق چریکی (ژانویه تا مه ۸۱)
۱- کارزار مصادره سلاح و مصالح (ماه مه تا سپتامبر ۸۱)
۲- «مناطق روستائی را با عملیات چریکی بلرزه در آورید» (اکتبر ۸۱ تا آوریل ۸۲)
۳- «برای پیشروی بسوی مناطق پایگاهی بجنگید»
نبرد اول از آوریل تا سپتامبر ۸۲
نبرد دوم از اکتبر ۸۲ تا ژانویه ۸۳
جمع: ۸۸۹
۶۱۰
۸۹۸
۹۶۱
۱۹۹۲
۵۳۵۰

جمع:

III- نقشه برای کسب مناطق پایگاهی (از ماه مه ۸۳ تا سپتامبر ۸۶)
مرحله اول دفاع، گسترش، ساختمان (از ماه مه تا اکتبر ۸۳)
مرحله دوم دفاع، گسترش، ساختمان (اکتبر ۸۳ تا فوریه ۸۴)
جهد بزرگ
جمع: ۳۱۲۱
۴۰۵۹

جمع بزرگ:

۱- کارزار آغاز جهش بزرگ (ماه مه تا دسامبر ۸۴)
۲- کارزار گسترش جهش بزرگ (ژانویه تا ژوئن ۸۵)
۳- کارزار گسترش جنگ خلق (جولای تا نوامبر ۸۵)
۴- کارزار اولین بخش پایان جهش بزرگ (دسامبر ۸۵ تا آوریل ۸۶)
کارزار دومین بخش پایان جهش بزرگ با مهر طلایی (ماه مه تا سپتامبر ۸۶)
جمع: ۵۶۳۳
۲۹۷۵
۲۲۰۲
۴۰۶۵
۶۵۶۶
۲۸۶۲۱

IV- نقشه بزرگ برای گسترش مناطق پایگاهی

نقشه راهنما (دسامبر ۸۶ تا مه ۸۹)

۱- کارزار گسترش مناطق (دسامبر ۸۶ تا مه ۸۷)
۲- کارزار بنیان نهادن درخشان سنگ بنای تاریخی (ژوئن ۸۷ تا مارس ۸۸)
۳- اولین بخش از کارزار استحکام و عمدتاً گسترش قله درخشان (ماه مه تا اگوست ۸۸)
دومین بخش کارزار نقطه اوج عظیم نقشه راهنما (اکتبر ۸۸ تا ماه مه ۸۹)
جمع: ۸۳۹۸
۱۰۰۰۴
۱۲۰۰۴
۳۲۶۶۶
۶۳۰۵۲
۹۸۳۶۵

جمع:

جمع عملیات نه ساله:

نقشه نهائی:

نقشه بزرگ برای گسترش مناطق پایگاهی تا کسب قدرت

۱- نقشه برای گسترش مناطق پایگاهی

۲- کارزار (اوت ۸۹ تا ژانویه ۹۰)

افزایش ۳۴ درصد

جنگ خلق، کار توده ای در روستا و شهر را بطور همزمان به پیش برده و مشخصاً در زمینه فعالیت در شهرها، شعار زیر را راهنمای فعالین حزب قرار داده است: «محلات و زاغه ها پایه اند و طبقه کارگر رهبر». در جریان جنگ خلق، کار توده ای در شهر مشمول تغییر و تبدیلاتی شده است. حزب مبارزاتی را حول مطالبات فوری دامن میزند. سیاست حزب کمونیست پرو در این زمینه کاملاً روشن است: مبارزه برای مطالبات فوری و مبارزه برای کسب قدرت سیاسی دو روی يك سکه اند و نباید آنها را از هم جدا کرد. در این رابطه، آموزه مارکس نقطه رجوع مائوئیستهای پروئی است که در هر بحرانی پرولتاریا به اعماق رانده میشود و هرچه بیشتر دستاوردهایش را از دست میدهد؛ پس باید برای دفاع از آنها به مبارزه برخیزد. اما باید بداند که تنها طریق پایان بخشیدن به بحران، پایان بخشیدن به نظام مزدوری است و معنای این حکم، مبارزه برای کسب قدرت سیاسی است. این همان حقیقتی است که رویزیونیستها پنهان میدارند. آنها به کارگران میگویند، فقط برای مطالبات فوری مبارزه کنید و مبارزه برای قدرت را بفراموشی بسپارید.

باید تاکید کنیم که حزب کمونیست پرو به مسئله «مشی توده ای» و کار در میان توده ها از دیدگاهی طبقاتی مینگرد و به میان طبقاتی میرود که صف خلق را تشکیل میدهند. اساساً پرولتاریا، دهقانان و خرده بورژوازی، حزب معتقد است که در جریان کار توده ای باید از قشر نازک بالائی کارگران که توسط رویزیونیسم و بوروکراسی اتحادیه های کارگری تربیت شده عبور کرد و به اعماق رفت، و به تحتانی ترین توده ها رسید. و همچنین باید با انبوه آشغال رویزیونیسم و اپورتونیسم مبارزه کرد. مسلماً نمیتوان به يك ضربت از شر همه اینها خلاص شد اما آنطور که انگلس میگوید باید گام بگام اینکار را به پیش برد. به يك کلام، مبارزه لاینقطع علیه رویزیونیسم و آموزش توده ها در مورد ضرورت قهر انقلابی حائز اهمیت بسیار است.

صحت مشی توده ای حزب کمونیست پرو در پیشرفته و دستاوردهای چند ساله گذشته این حزب به اثبات رسیده است. با در پیش گرفتن همین سیاست است که امروز با نفوذ فزاینده ایدئولوژی مارکسیسم - لنینیسم - مائوئیسم و اعتبار راه حل دمکراتیک نوین (و سپس سوسیالیستی) برای دردهای جامعه تحت سلطه و عقب مانده پرو در میان توده های وسیع رویزیونیسم. حمایت عظیمی که جنگ خلق تحت رهبری حزب در سراسر کشور - عمدتاً در مناطق روستائی - از آن بهره مند گشته شاهد دیگری بر درستی «مشی توده ای» مائوئیستی است. حفاظت دهقانان فقیر، کارگران و نیمه پرولترها، و دیگر زحمتکشان روستائین از قدرت سیاسی نوین، از رزمندگان ارتش چریکی خلق و از رهبری و بدنه حزب، مقاومت در برای کشتارهای وحشیانه رژیم و وفاداری به امر انقلاب، اشکال برجسته بروز

این حمایت توده ای است. در شهرها - بویژه در لیما - نیز بر دامنه حمایت از جنگ خلق و رهبری آن افزوده میشود. موفقیت «اعتصاب مسلحانه» ماه نوامبر ۱۹۸۹ در پایتخت یکی از نشانه های این امر محسوب میشود. طی تظاهراتی که روز اول نوامبر سال گذشته در میدان «مانکوکاپاک» در محله «لاویکتوریا» برگزار شد، ۳۰۰۰ تن از اعضای خانواده زندانیان جنگی بسوی گورستان شهر راهپیمائی کرده و مزار مائوئیستهای جان باخته را گلباران کردند. در راه بازگشت، پلیس وحشیانه به جمعیت حمله برد، سه نفر را کشت و ۵۰ نفر را زخمی ساخت. جنگی تمام عیار بین افراد ارتش چریکی خلق که از تظاهرات محافظت میکردند و مزدوران مسلح دولتی در گرفت که نیمساعت ادامه یافت. اکثریت جمعیت در پناه آتش سلاح رزمندگان مائوئیست موفق به عقب نشینی شدند. اهالی محل فعالانه به حمایت از زخمیها پرداخته، آنان را در خانه ها و رستورانهای اطراف پنهان ساختند. سپس ۱۵۰۰ پلیس میدان را محاصره کرده و شروع به خانه گردی نمودند، اما توده ها نگذاشتند حتی يك نفر هم دستگیر شود. نمونه چشمگیر دیگر از حمایت توده های شهری از جنگ خلق، در حاشیه نشین ها دیده میشود. اهالی فقیر این محلات که نه از عهده کمک اقتصادی به ارتش چریکی خلق بر می آیند و نه بواسطه حملات مداوم پلیس به زاغه ها میتوانند جای امنی برای رزمندگان فراهم کنند، بر مبنای رهنمود حزب به تولید محدود سبزیجات یا پرورش محدود مرغ، خرگوش یا خوک پرداخته و از این طریق به پیشبرد جنگ خلق یاری میرسانند. محصولات هر يك این «مزارع کوچک» زیاد نیست، اما رویهم بسیار میشود و کمک قابل توجهی برای بیماران و زخمیهای ارتش انقلابی بحساب می آید. ●

جنگ خلق و کارزارهای ضد انتخاباتی

آنهاست. جریمه عدم شرکت در انتخابات، سر به فلک میزند. حزب کمونیست پرو به مردم رهنمود میدهد که از پرداخت جریمه سر باز زنند. در اینجا به شرح دو پروسه انتخاباتی مهم در پرو طی دوره ۹۰ - ۱۹۸۹ و اقدامات موفقیت آمیز و دستاوردهای حزب کمونیست پرو و ارتش چریکی خلق در قبال آن میپردازیم. در عین حال موضع و عملکرد نیروها و شخصیت‌های گوناگون سیاسی و اجتماعی را در همین رابطه بررسی میکنیم.

از میان تمام کارزارهای انتخاباتی که تا بحال - بمشابه جزئی از جنگ خلق - توسط حزب تحریم شده، انتخابات شهرداری ها نوامبر ۱۹۸۹ و انتخابات ریاست جمهوری در ماه مه ۱۹۹۰ از همه موفقتر بوده است. البته دشمن بهر طریق انتخابات را برگزار کرد - اما در بدترین حالت ممکن.

حکومت حوزه های اخذ رای را در مراکز استان ها و فرمانداریها و در پایتخت برقرار کرد. اما در «هویکان» که در شرق لیما واقع است رای گیری صورت نگرفت. این منطقه که محل زندگی حاشیه نشینان است، در کنار اتوبان مرکزی قرار دارد و لیما را به منطقه کوهستانی متصل میکند. کارخانجات پرو در «هویکان» متمرکز است. اینجا یکی از نقاط فعالیت حزب کمونیست پرو محسوب میشود. حکومت به تمام اهالی این منطقه دستور داد که برای رای دادن به ناحیه ای دیگر بروند. بعبارت دیگر، مرتجعین حاکم حتی در جوار پایتخت قادر به تضمین امنیت صندوقهای رای نبودند. رزمندگان ارتش چریکی خلق يك سلسله عملیات نظامی را بمشابه جزئی از کارزار ضد انتخاباتی با موفقیت به پیش بردند؛ مثلا در روز ۱۳ نوامبر یعنی درست روز انتخابات شهرداری ها ماشین محافظین گارسیا به کمین افتاد. مطبوعات رژیم ناشیانه در پی تحریف خبر واقعه برآمده، نوشتند: «این يك تصادف معمولی اتومبیل بود.»

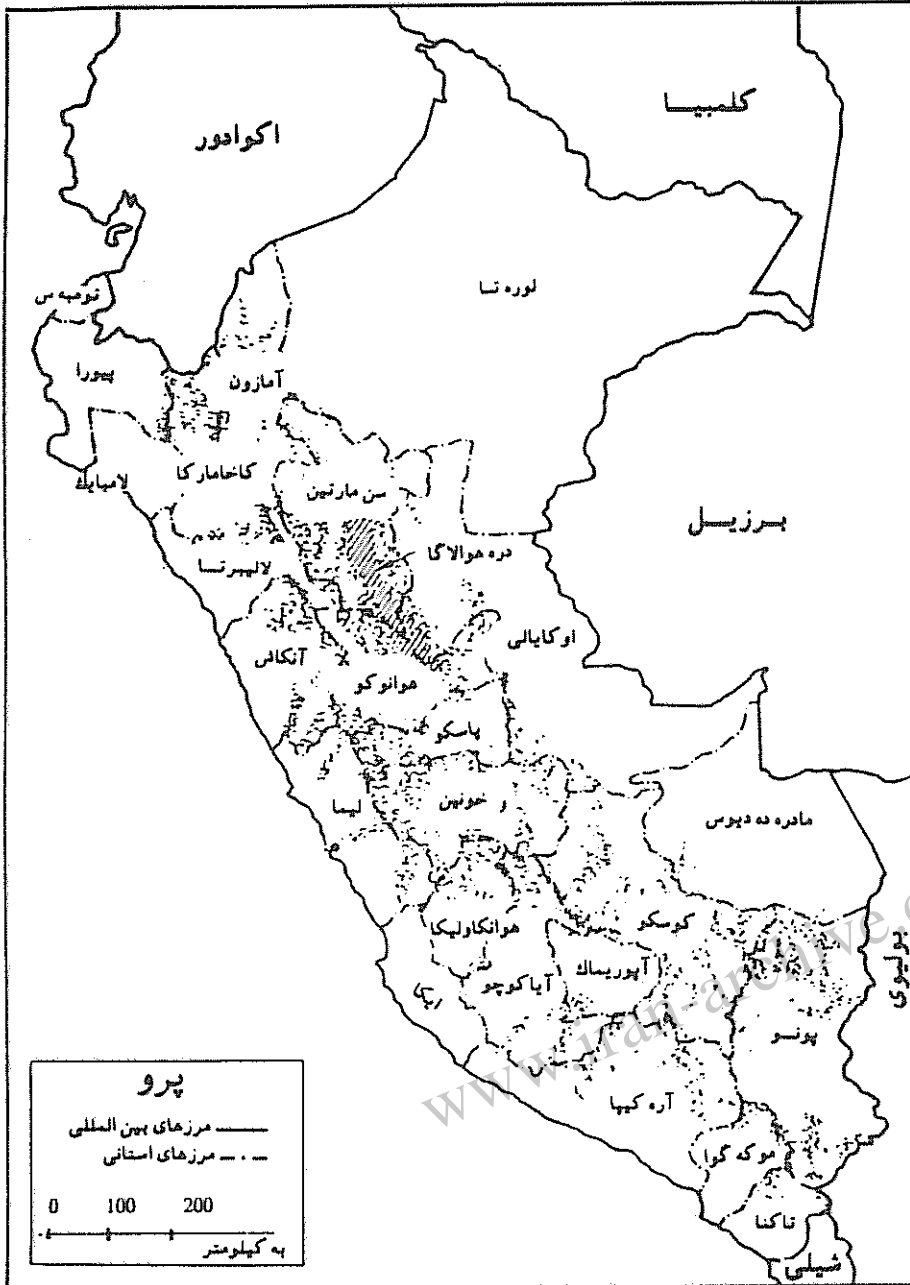
انتخابات شهرداریها در هیچیک از مناطق روستائی اطراف شهر «آیاکوچو» برگزار نشد. حتی کاندیدای حزب «آپرا» (حزبی که آلن گارسیا رئیس جمهور پیشین پرو نماینده اش بود) نتوانست به خودش رای دهد؛ چراکه در پناهگاهش در لیما بسر میبرد. شخص آلن گارسیا نیز مجبور شد یکبار دیگر تمام آئین نامه های انتخاباتی را زیر پا گذارد. طبق این قوانین، طی يك محدوده زمانی معین، هیچ حزبی حق برگزاری تظاهرات عمومی ندارد. اما گارسیا به آیاکوچو رفت و در میدان شهر، تظاهراتی را رهبری کرد. حکومت ادعا کرد که يك صف ۴۰۰۰ نفری در آیاکوچو برای رای دادن تشکیل شده بود. اما حضار که تعدادشان بسیار کمتر از رقم مورد ادعای دشمن بود را اکثرا مسافران استانهای اطراف شامل

مارکس جمله معروفی درباره مضحکه انتخاباتی بورژوازی دارد که جوهر مسئله را بروشنی برملا میسازد. او میگوید: «آنها به ستمیدگان این حق را میدهند که هر چند سال یکبار، اعضای از طبقه ستمگر را بنمایندهای خود و برای ستم بر خود در پارلمان برگزینند.» در جوامع سرمایه داری - بویژه امپریالیستی - انتخابات پارلمانی و غیره يك امر نهادی شده و يك ابزار مهم فریب توده ها با «شیرینی» دمکراسی بورژوائی است. لیکن در جوامع تحت سلطه امپریالیسم، معمولا حاکمیت طبقات ارتجاعی و اربابانسان شکل استبداد و سرکوبگری خشن و حاد بخود میگیرد و کمتر به فریب انتخاباتی توسل جسته میشود. با این وجود هستند کشورهای تحت سلطه ای که باصطلاح «سنت پارلمانی» دارند و گاه و بیگاه - در فاصله گذر از این حکومت نظامی به حکومت نظامی دیگر - این «مظهر حقوق دمکراتیک ملت» را برخ ستمیدگان میکشند. کشورهایی هم هستند که هرچند وقت یکبار - بهنگام مواجهه با بحران و نارضایتی توده ها - «سختومندان» وعده انتخابات آزاد در چارچوب نظم حاکم را میدهند. پرو در زمره حافظان «سنت پارلمانی» است که عنوان «مهد دمکراسی آمریکای لاتین» را يكد میکشد. دهشتناکترین جنایات و قتل عامها در روستاها و شهرهای این کشور تحت همین نظام پارلمانی و با «رای دمکراتیک» اعضای پارلمان انجام گشته است. باید اشاره کنیم که رویزیونیستهای طرفدار شوروی، چین و آلبانی، تروتسکیستها و جریانات رفرمیستی بیشترین کمکها را به حفظ و تقویت این نهاد در پرو نموده اند.

برای حزب کمونیست پرو، مبارزه با مضحکه های انتخاباتی رنگارنگ و دمکراسی اعطائی نوکران امپریالیسم - بعنوان جزئی از نبرد ایدئولوژیک و سیاسی ضروری با دشمن - اهمیتی در خور داشته است. زدودن توهم انتخاباتی از ذهن توده های وسیع یکی از اهداف حزب است که در پیوند تنگاتنگ با توضیح ضرورت گسترش جنگ خلق، انجام انقلاب دمکراتیک نوین، و سرنگونی امپریالیسم و سرمایه داری بوروکراتیک و نیمه فئودالیسم قرار دارد. از این رو حزب کارزارهای معینی را تحت شعارهای خاص جهت تحریم انتخابات برپا میدارد. هر آنجا که امکانش باشد، حزب از برگزاری انتخابات جلوگیری میکند؛ والا آن را تضعیف کرده، یا در آن خرابکاری میکند. يك شعار دیگر حزب در مورد انتخابات - که در چارچوب خط تحریم مطرح میشود - چنین است: «آزادی در رای دادن یا رای ندادن!» اگر صحبت از آزادی و انتخاب است پس مردم باید آزاد باشند که رای بدهند یا ندهند. باید خاطر نشان سازیم که در پرو رای دادن اجباری است؛ شکلی از فشار بر توده ها و اخاذی از

میشدند. گارسیا دستور داد برای کسانی که روز انتخابات در سفر هستند، صندوق های رای مخصوص برپا شود. این اقدام حتی در قانون خودشان هم اکیدا ممنوع اعلام شده است. در استان آیاکوچو فقط ۴۰ درصد از افراد واجد شرایط، رای دادند. تازه ۷۷ درصد از این آراء باطله و سفید از آب درآمد. همین مسئله برای رژیم مشکلی قانونی پیش آورد؛ زیرا اگر تعداد آراء عادی بحد مکفی نرسد، انتخابات معتبر نیست. انتخابات شهرداریها صحنه های مضحک نیز داشت؛ مثلا شهردار «چونگوس باخوس» - یکی از شهرهای استان «خونین» - تنها با آوردن سه رای انتخاب شد. مردم بشوخی میگویند که این سه نفر، خودش، زنش و پسرش بوده اند. بعلاوه برخی شهردارهای انتخاب شده، بواسطه هراسشان از شعله های جنگ خلق، از قبول این مسئولیت سرباز زدند.

حزب کمونیست پرو در قبال انتخابات ریاست جمهوری که دور اول آن در هشتم آوریل ۱۹۹۰ برگزار شد نیز سیاست تحریم را در پیش گرفت. روز ۷ آوریل پایگاه ضد خرابکاری آمریکا در «سانتا لوسیا» مورد حمله چریکهای مائوئیست پروئی واقع شد. یانکیها این پایگاه را جهت حمایت از نوکران بومی و پیشبرد طرحهای تجاوزکارانه خود از ماه فوریه ۱۹۹۰ برپا کرده اند. منابع خبری امپریالیستی درباره این حمله، شرمسارانه نوشتند که هفت هلیکوپتر لطمه دیده اند. سلسله عملیات حزب کمونیست پرو که حول سیاست تحریم، درست تا زمان برگزاری انتخابات ادامه یافت، به رشد احساسات ضد انتخاباتی یاری رساند. در ۳ استان «آیاکوچو»، «آپوریماک» و «هوانکاولیکا» خیلی ها رای ندادند و باید تاکید کنیم که کمیته منطقه ای عمده رهبری کننده جنگ خلق این ۳ استان را در برمیگیرد. در آیاکوچو ۵/۴۷ درصد از واجدین شرایط رای ندادند؛ در آپوریماک ۹/۲۷ درصد؛ در هوانکاولیکا ۴/۴۴ در سراسر کشور، نسبت تحریم کنندگان انتخابات به کل واجدین شرایط - طبق آمار رسمی - بیش از بیست و يك درصد بود. وقتی این رقم را با رقم ۸/۸ درصدی انتخابات سال ۱۹۸۵ مقایسه میکنیم، به تغییری مشهود پی میبریم. اما آراء باطله و سفید نسبت به سال ۱۹۸۵ فقط يك درصد افزایش داشت. جالب توجه است که سازمان کامتریست «توپاک آمارو» در پرو که دست به عملیات مسلحانه پراکنده هم میزند و در عین حال متحد جبهه «چپ پارلمانی» است، شعار «رای باطله بدهید!» را جلو گذاشت. این مفهوم صحنه نهادن بر سیستم پارلمانی بورژوائی بود و در خدمت هیئت حاکمه ارتجاعی قرار میگرفت - چرا که حکام پرو بسختی میکوشند اعتماد توده ها را نسبت بنفس عمل «دمکراتیک» رای دادن جلب کرده، آنان را از راه انقلاب قهرآمیز دور دارند. در همین زمینه میتوان به موضع آلن گارسیا (رئیس جمهور سابق) اشاره کرد. او با پیش بینی شکست حزبی در انتخابات، چهره منتقد بخود گرفت و شعار «رای باطله بدهید!» را



آمار مقایسه ای تحریم انتخابات ریاست جمهوری در سالهای ۱۹۸۵ و ۱۹۹۰ (بر حسب استان - به درصد):

۱۹۹۰	۱۹۸۵	
۳۷ / ۱	۱۳ / ۵	پاسکو
۴۹ / ۴۵	۹ / ۸	خونین
۵۰ / ۱	۱۴ / ۵	هوانوکو
۳۱ / ۴	۱۴ / ۵	سن مارتین
۲۲ / ۵	۹	پونو
۲۴ / ۴	۱۲ / ۹	کوزکو
۲۶ / ۰۷	۱۵ / ۸	کانخامارکا
۲۷ / ۰۷	۸ / ۶	آنکاش
۲۹ / ۶	۱۴ / ۱۰	اوکالیٹی
۱۷ / ۹	۶ / ۴۵	لا لیبرداد
۱۲ / ۹	۷ / ۸	استان لیما

جلو گذاشت، گارسیا گفت، مهم حاضر شدن بهای صندوق های رای و تایید سیستم موجود در مقابل کسانی است که میخواهند با اعمال قهر این نظام را نابود سازند.

در جریان رقابت انتخاباتی، مشکلات و تضادهای بیشتر و بزرگتری در صفوف طبقات حاکم بروز یافت و احتمال کودتای نظامی بعنوان تنها «راه حل» رفع بحران و سرکوب جنگ خلق فزونی گرفت. امپریالیستهای یانکی در گزارشهایشان علنا به از هم گسیختگی سیاسی دولت پرو و افزایش قدرت حزب کمونیست پرو و جنگ خلق تحت رهبریش اعتراف کردند. تمام کاندیداها برای چندمین بار اعلام کردند که معضل عمده کشور «تروریسم» است و عاجلترین نیاز، «دفاع از دموکراسی»، ارکستر ضدانقلابیون با حضور کلیسا در صحنه تکمیل شد - آنها نه فقط کلیسای کاتولیک، بلکه موسسات پروتستان و اوانگلیک نیز فعال گشته و با حمایت از افراد مختلف به رقابت با یکدیگر پرداختند. آنها سرکوب و تحمیق ایدئولوژیک را با فریبکاری سیاسی در آمیختند، همین مجموعه بود که پیش از این دوره نیز، در سوم نوامبر ۱۹۸۹ تظاهراتی ضد کمونیستی را علیه اعتصاب مسلحانه ای که تحت تاثیر فراخوان حزب کمونیست پرو برپا شده بود، فراخواند. در آن تظاهرات که با شرکت دسته های کلیسایی شامل کشیش ها، راهبها و مردم عادی انجام شد، پرچم پاپ حمل میگشت. آنها در ضدیت با جنگ خلق شعار مسیح را میدادند که: «تو نباید کسی را بکشی!» اینها حامی ریاکار جلاخان خلعند و بس.

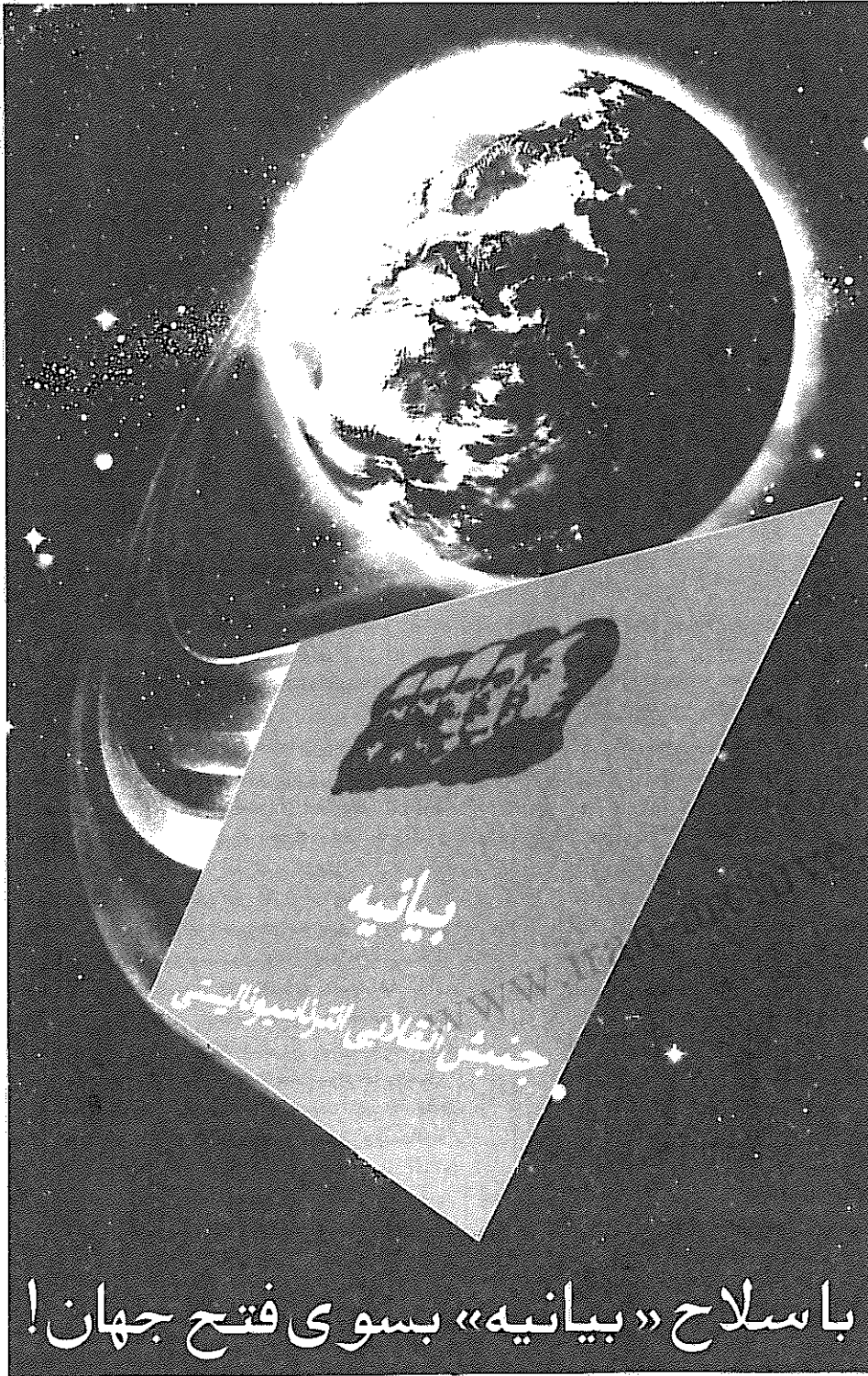
پایبای

در چارچوب استراتژی جنگ خلق و محاصره شهرها از طریق دهات تدوین و اجراء خواهد کرد. در صورت وقوع این تجاوز، امکان اتحاد اکثریت مردم تحت پرچم حزب هم فراهم خواهد شد و شرایطی بسیار مساعد برای کسب سراسری قدرت سیاسی پدید خواهد آمد. اکنون حزب از نظر ایدئولوژیک، سیاسی و تشکیلاتی کاملا در موقعیت مواجهه موفقیت آمیز با این تهاجم مستقیم امپریالیستی قرار دارد. برای کمونیستهای پرو، رزمندگان ارتش چریکی خلق، و کارگران و دهقانان در مناطق پایگاهی هیچ جای شك نیست که دورانی بس دشوار و جنگی خونین با نظام ستم و استثمار یکی از حافظان اصلیش یعنی امپریالیسم یانکی در پیش دارند - این جنگ دنیای کهن با دنیای نوینی است که در کوههای آند زاده شده و متعلق به پرولتاریا و خلقهای جهان است. آنها از صمیم قلب و بدرستی بر این اعتقادند که آینده درخشان و پیروزی نهائی از آن انقلاب خواهد بود.

کمکهای مالی خود را
به آدرس زیر ارسال دارید

**NAT WEST BANK
SARBEDARAN
ACC NO 27324958
ARCHWAY BRANCH,
LONDON, U.K.**

علیرغم تمامی این تشبیهات ارتجاعی، ضدیت آشکار میلیونها نفر با مضحکه های انتخاباتی و استقبال روزافزون آنها از جنگ خلق نشان میدهد که نمایندگان ریز و درشت نظم کهن جز شکست و نابودی سرانجامی ندارند. همانگونه که مغزهای متفکر امپریالیسم آمریکا اذعان دارند «دموکراسی پرو، نفرین شده است».



ما... ارتش چریکی خلق و قدرت نوین سیاسی را تکامل دادیم و اصل «حزب باید جنگ خلق را رهبری کند و رهبری مطلق بر ارتش اعمال دارد» را بکار بسته، بر آن پافشاری نمودیم. ما پیرو این اصل بودیم که حزب بر تفنگ حکم می راند و هرگز نباید اجازه دهیم که تفنگ بر حزب حاکم شود. ما همچنین بر این آموزه صدر مائو پافشاری کردیم که جنگ از سیاست پیروی می کند. بقول لنین: جنگ ادامه سیاست است با ابزار قهر. مسئله اینگونه بوده و خواهد بود، و همین مسئله است که به جنگ خصلت طبقاتی می بخشد. در زمانی که مارکسیسم نفسی می شود، ما کمونیستها باید بیش از پیش بر اصول خویش تاکید گذاریم. هنگامی که کارزارهای ضد انقلابی در سطح جهانی علیه مارکسیسم - لنینیسم - مائونیسم و در کشور ما علیه حزب و جنگ خلق جریان دارد، می باید اصول خود را استوارانه درک کنیم و هدف خدشه ناپذیر و فرا راه خود یعنی کمونیسم را از نظر دور نداریم. اکنون می باید بر این مسئله پافشاری کنیم. امروز گورباچف، دن سیائو پین و پیروانشان ادعا می کنند که دیگر اصل فرموله شده توسط کلازویتس، اصلی که لنین بر آن تاکید دو باره نهاد و صدر مائو آنرا به سطحی عالیتر ارتقاء داد، کاربرد ندارد. گورباچف می گوید که جنگ بر موجودیت بشر نقطه پایان خواهد نهاد و بی فاتح و بی شکست خورده خواهد بود. چرا که هیچکس جان سالم بدر نخواهد برد. این موضع گورباچف همان کلام پلییدی است که زمانی از دهان خروشچف خارج شد. ما این مواضع را بعنوان مواضع رویزیونیستی محکوم می کنیم و با جنگ خلق بر آنها مهر محکومیت کوبیده، مجددا بر مواضع خویش از طریق استواری بر جنگ خلق تاکید می گذاریم. ما اعلام می کنیم که جنگ خلق هیچ نیست مگر ادامه سیاست توسط قدرت اسلحه در خدمت پرولتاریا و خلق و منافع آنها. می باید بر جنگ خلق و این اصل که حزب کمونیست تا رسیدن به کمونیسم رهبر خواهد بود استوار بمانیم، والا از جاده جنگ خلق منحرف شده و به رویزیونیسم در خواهیم غلطید. از «گزارش ۹ سال جنگ خلق» حزب کمونیست پرو

منتشر شد :

بحران در اروپای شرقی
و ورشکستگی
رویزیونیسم مدرن
از حزب
کمونیست انقلابی آمریکا

بحران نظام جهانی
امپریالیسم
و نگوینختی چائوشسکو
از مرکزیت مائونیستی
در
حزب کمونیست ترکیه
(م - ل)

علیه
رفرمیسم
سوسیالیسم
و
اپورتونیسم
"حزب کمونیست ایران"